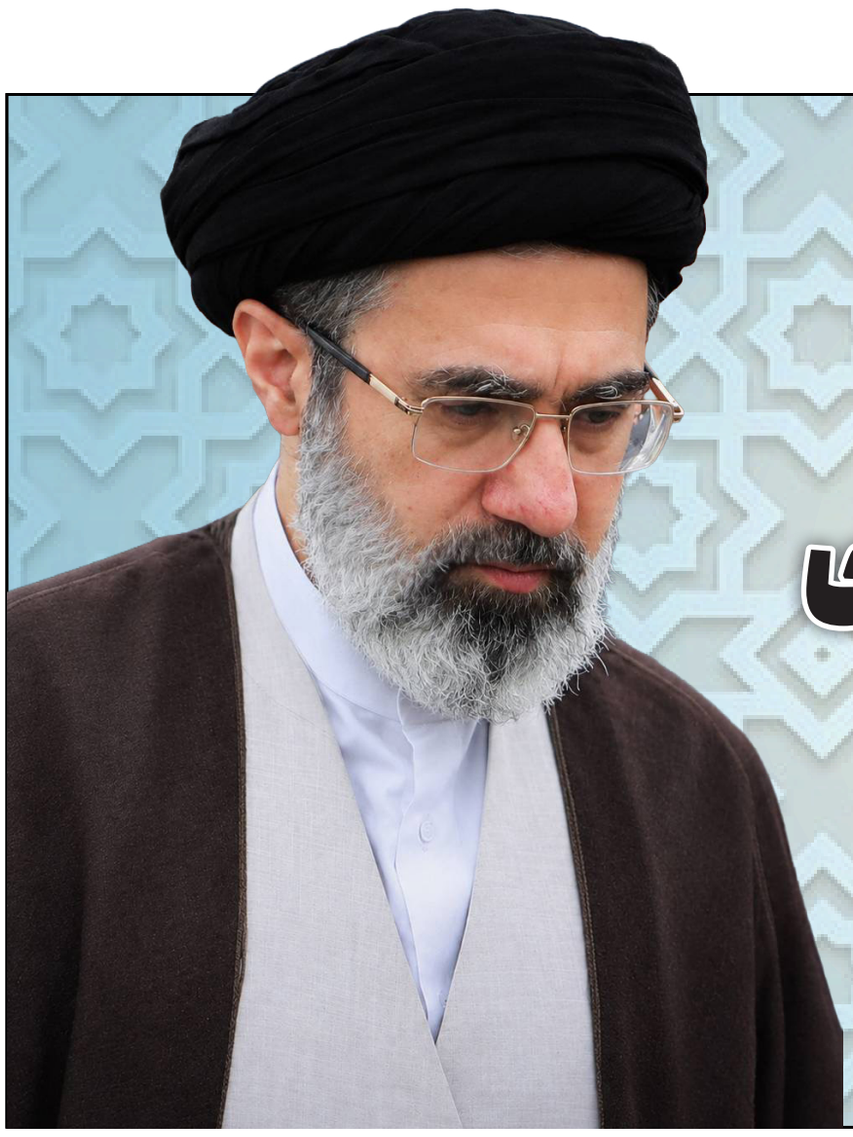

دستور فرمانده کل قوا به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح نسبت به هر تهدید احتمالی دشمن

پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی

- بانک اهداف به نحوی به‌روزرسانی شود که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونی در تیررس نیروهای مسلح قرار گیرد
- اگر دشمنان مجددا حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند
- حضور هشت‌ماهه ملت مبعوث در میادین، امتداد بخشِ دفاع مقدس هشت‌ساله است
- که به موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی از تمامیت سرزمینی ایران و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد
- وحدت ساحات، متغیری تعیین‌کننده با تأثیر راهبردی در شکل‌دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا است

یکشنبه
۱۰ آبان ۱۴۰۵
۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۸
۱ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰ هزار تومان

شماره
۶۷۸
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

سهم گازخانه‌ها، صنایع و نیروگاه‌ها در زمستان چقدر است؟
سرما در راه ناترازی در کمین ۷

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان
نیمکت‌های هم سرنوشت ۴

گفت‌وگوی «آگاه» با رئیس موزه هنرهای معاصر درباره نمایشگاه «جست‌وجوی ایران»
صد سال تصویر و تصور از ایران ۵

مطالبه ساخت سلاح اتمی، این روزها به یک خواست و اراده ملی تبدیل شده است

رمزگشایی از دکترین بازدارندگی

۳

بقای ایران بر بلندای تاریخ

رضا ظریفی
دبیر تحریریه

در چند هفته اخیر رسانه های معاند و وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی سعی کرده‌اند جریان خبری مربوط به حمله نظامی آمریکا به ایران را هدایت کنند. این مسئله به خصوص در شبکه‌های اجتماعی و از سوی برخی اکانت‌های معلوم الحال نیز پیگیری و ضریب داده شده است که نتیجه این امر تشدید وضعیت جنگی در ذهن و روان جامعه ایرانی است. این عملیات روانی با هدف فرسوده و خسته کردن مردم ایران صورت می گیرد تا در صورت وقوع حمله نظامی شاهد کمترین همراهی مردم با حاکمیت و دولت جمهوری اسلامی ایران باشند. غافل از اینکه مردم ایران بیش از ۲۴۰ شب است که در خیابان ها حاضر می‌شوند تا حمایت خود از تمامیت ارضی و استقلال کشور خود را اعلام کنند. اگرچه همین امر نیز به اعتراف واذعان چهره‌های سیاسی آمریکایی و کارشناسان بین المللی مهم ترین علت تاخیر در وقوع جنگ نظامی و آشوب های مد نظر دشمن در داخل کشور بوده است اما دشمن هیچگاه از تلاش خود برای دلسرد کردن مردم ایران دست برنداشته و برنخواهد داشت.

با این وجود فرمایشات آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در دیدار دیروز فرماندهان ارشد نظامی کشور یک بار دیگر نشان داد که ایران هرگز در برابر خواسته های ظالمانه و ناحق دشمنان خود سر پایین نخواهد آورد و حالا نیروهای نظامی ایران در خط مقدم نگهبان این سرزمین هستند و اگر دشمن جسارت حمله به ایران را داشته باشد این بار پاسخ‌هایی بسیار دردناک‌تر از دفعات قبلی در سراسر منطقه دریافت خواهد کرد. فرمایشات دیروز رهبر انقلاب البته بازتاب زیادی نیز در رسانه های جهان و منطقه داشت که موجب شد چهره های سیاسی برخی کشورها نیز درباره احتمال وقوع جنگ علیه ایران و شدت پاسخ های کوبنده اظهار نظر کنند. از سوی دیگر مشاهده روحیه مردمی و توان نظامی ایران در برابر تلاش های دشمن برای القای روایت رسانه‌ای خود، دلگرمی و البته غروری وصف نشدنی در دل ایرانیان ایجاد می کند اما باید به این مهم توجه داشت که دشمن همچنان دست از فریبکاری ها و اقدامات خصمانه خود برای شکستن صف مردم بر نخواهد داشت. در این شرایط مردم و دولت باید در هماهنگی بیشتر از قبل اقدام و رفتار کنند. دولت به خوبی می داند که در شرایط فعلی، وضعیت معیشتی مردم در تنگنای عجیبی قرار گرفته است و باید برای آن به فکر چاره بود. این در حالی است که با تلاش های دولتمردان، اقلام اساسی و کالاهای مورد نیاز مردم در تمام کشور وجود دارد و کمبودهای دردسرسازی که ابزار تبلیغات دشمن شود، وجود ندارند. با این وجود و با توجه به شرایط فعلی که توضیحات آن رفت آ باید دولت و مردم به نکاتی مهم توجه داشته باشند.

نخست اینکه دولت باید مانند گذشته تمام توان خود را در مسیر تامین نیازهای مردم به کار گیرد. در این مورد خاص می‌توان به مسئله انرژی و تامین گاز و برق اشاره کرد و باید به این موضوع نیز توجه داشت که در شرایط فعلی کشور شاید نتوان به طور کلی گاز یا برق مورد نیاز صنایع را قطع کرد چراکه این اقدام، یعنی توقف چرخ تولید و نرسیدن محصولات به بازاری که نیازمند آن است، خود دردسرهای دیگر به دنبال دارد.

نکته دوم اما همراهی مردم در صرفه جویی انرژی و حتی دیگر اقلام مصرفی است که می تواند در روزگار کنونی بسیار راهگشا باشد. مردم ایران همیشه ثابت کرده‌اند در دشواری‌ها با صبر و متانت خاص خود روزگار دشوار را پشت سر می گذارند تا زمانی که سایه دشمنان و بدخواهان از سر آنها کوتاه شود. تجربه نیز ثابت کرده است که این ایام دور نیست و دشمنان مجبور خواهند بود بار دیگر در برابر کرامت و عزت ایرانیان سر فرود آورند.

حقوق ۷۵ درصد کارکنان دولت کمتر از ۳۰ میلیون تومان است

ترمیم دستمزد در میانه سال شدنی است؟

تورم شتابان و افزایش مداوم هزینه های زندگی، بار دیگر موضوع ترمیم حقوق و دستمزدها را به یکی از محورهای اصلی بحث میان دولت و مجلس تبدیل کرده است؛ مطالبه‌ای که در شرایط کاهش قدرت خرید خانوارها، دیگر صرفا به افزایش سالانه حقوق محدود نمی شود و ضرورت بازنگری در شیوه تعیین دستمزدها متناسب با تحولات اقتصادی را مطرح می کند. در حالی که نمایندگان مجلس بر ضرورت حمایت از معیشت کارمندان، کارگران و بازنشستگان تاکید دارند، محدودیت منابع دولت و چگونگی تامین اعتبار برای افزایش حقوق‌ها همچنان یکی از چالش‌های اصلی این تصمیم است.

تورم روزبه‌روز مسیر صعودی خود را طی می‌کند و فشار معیشتی بر مردم را افزایش می‌دهد. از همین رو، تقویت قدرت خرید خانوارها از طریق کالابرگ، پرداخت مستقیم یارانه و همچنین افزایش حقوق و مزایا، به یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان، به‌ویژه نمایندگان مجلس، تبدیل شده است. علاوه بر آن شاخص های تورمی در ماه های گذشته روندی افزایشی و شتابان داشته‌اند و ضرورت مدیریت عوامل موثر بر تورم و جلوگیری از تداوم این روند را بیش از گذشته برجسته کرده‌اند. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران در تاریخ ۹ آبان، نرخ تورم ماهانه مهر به ۴.۴ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۷.۷ درصد و تورم سالانه به ۷۶.۸ درصد رسیده است؛ ارقامی که نشان می دهد افزایش هزینه های زندگی همچنان یکی از مهم ترین مسائل اقتصادی خانوارهاست و فاصله میان درآمد و مخارج بخش قابل توجهی از جامعه را تحت تاثیر قرار داده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، کسری بودجه، تکانه‌های نرخ ارز و همچنین ناترازی‌های اقتصادی از جمله عوامل موثر در شکل گیری و تشدید تورم در اقتصاد ایران هستند. البته در مقابل، برخی دیگر از کارشناسان معتقدند حتی اگر بودجه کشور بدون کسری بسته شود، امکان دارد در لایه‌های زیرین اقتصاد همچنان نیروهای تورمی عظیمی شکل بگیرد و آثار آن در بازارهای مختلف نمایان شود. بنابراین، مهار تورم تنها به ترازکردن منابع و مصارف بودجه محدود نیست و باید مجموعه عوامل اثرگذار بر سطح عمومی قیمت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

ترمیم حقوق؛ مطالبه‌ای فراتر از افزایش سالانه

در چنین شرایطی، موضوع افزایش حقوق کارکنان دولت و سایر گروه‌های حقوق بگیر در نیمه دوم سال بار دیگر در کانون توجه قرار گرفته است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند در شرایطی که نرخ تورم با شتاب افزایش پیدا می‌کند، نمی‌توان به افزایش حقوق در ابتدای سال اکتفا کرد و تا پایان سال همان میزان دریافتی را مبنای تامین هزینه‌های زندگی قرار داد. درواقع، افزایش یک‌باره حقوق در ابتدای سال زمانی می‌تواند پاسخگوی نیازهای معیشتی باشد که اقتصاد از ثبات نسبی برخوردار باشد و نرخ تورم نیز تغییرات شدیدی نداشته باشد؛ اما هنگامی که تورم روندی صعودی به خود می گیرد و قیمت کالاها و خدمات به صورت مستمر افزایش می یابد، ضرورت بازنگری در سطح حقوق و دستمزدها بیش از گذشته احساس می‌شود. یکی از پرسش های مطرح در این زمینه آن است که چرا باید حقوقی که بر مبنای نرخ تورم و شرایط ارزی سال گذشته تعیین شده است، تا پایان سال بدون تغییر باقی بماند؟ این در حالی است که در بسیاری از بخش‌های اقتصادی، قیمت کالاها و خدمات متناسب با شرایط جدید افزایش پیدا می‌کند، اما درآمد حقوق‌بگیران همچنان بر اساس تصمیمی که در ابتدای سال اتخاذ شده، ثابت می‌ماند از سوی دیگر، معمولا افزایش حقوق کارمندان در محدوده ۲۰ درصد و حقوق کارگران اندکی بیشتر از آن تعیین می‌شود، اما در بخش‌های دیگری از اقتصاد، از جمله برخی شرکت‌های دولتی، خصولتی و ارائه‌دهندگان خدمات، افزایش قیمت‌ها و درآمدها می‌تواند به مراتب بیشتر از این میزان باشد. برای نمونه، خودروسازان در طول سال چندین بار قیمت محصولات خود را افزایش می‌دهند و در هر مرحله نیز مبالغ قابل توجهی به قیمت خودروها اضافه می‌شود. همچنین افزایش ۱۰۰ درصدی تعرفه‌های درمانی از سوی نظام پزشکی و افزایش قیمت داروها از دیگر نمونه‌هایی است که در کنار رشد هزینه‌های زندگی قرار می‌گیرد. این تفاوت در سرعت تعدیل درآمدها و هزینه‌ها، ضرورت بازنگری در سازوکار تعیین حقوق و دستمزد را به یکی از مباحث جدی اقتصاد کشور تبدیل کرده است؛ چراکه در شرایط تورمی، ثابت ماندن درآمد حقوق‌بگیران به معنای کاهش تدریجی قدرت خرید آنان خواهد بود.

قالیباف؛ چرا حقوق‌ها فقط یک‌بار در سال افزایش یابد؟

ضرورت افزایش چندباره حقوق‌ها در طول سال، برای نخستین بار به صورت جدی از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی در بهمن ۱۴۰۴ مورد توجه قرار گرفت. محمدباقر قالیباف با طرح این پرسش که چرا نباید حقوق‌ها سالی حتی دو بار یا بیشتر افزایش پیدا کند، بر ضرورت متناسب‌سازی حقوق‌ها با نرخ تورم تاکید کرد. وی با اشاره به تجربه برخی کشورهای همسایه با تورم ۶۵ درصدی گفت: چرا باید حقوق‌ها فقط یک‌بار در سال افزایش پیدا کند و تا پایان سال بدون تغییر بماند؟ البته در کنار اصل موضوع افزایش حقوق، مسئله مهم دیگری نیز مطرح است و آن چگونگی تامین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای این سیاست است.

از همین رو، به نظر می‌رسد دولت و مجلس در کنار پیگیری ایده افزایش یک یا چندباره حقوق‌ها، باید منابع غیرتورمی دیگری را نیز برای تامین هزینه‌های این سیاست شناسایی کنند تا حمایت از معیشت مردم به افزایش دوباره هزینه‌های زندگی منجر نشود. اما در نظام های اقتصادی کلاسیک، تعیین حداقل دستمزد معمولا به صورت سالانه و بر اساس برآورد نرخ تورم، شاخص سبد معیشت و میانگین قیمت‌ها انجام می‌شود. این روش در شرایطی که اقتصاد از ثبات نسبی برخوردار بود و نرخ تورم تکانه‌های ناگهانی نداشت، رویکردی قابل اتکا به شمار می‌رفت؛ اما امروز، اقتصاد کشور با تورم بالا و نوسانات مستمر قیمت‌ها مواجه است؛ شرایطی که معادلات رایج اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده و بنیان زندگی کارگران و حداقل‌بگیران را نیز با چالش مواجه کرده است. در چنین وضعیتی، اصرار بر تعیین یک‌باره حداقل دستمزد برای یک سال کامل، بدون در نظرگرفتن تحولات بعدی اقتصاد، با واقعیت های معیشتی جامعه فاصله پیدا می‌کند. در شرایطی که هزینه‌های خوراک، پوشاک و بهداشت افزایش می‌یابد و اجاره‌بهای مسکن نیز روند صعودی دارد، حفظ قدرت خرید خانوارها با دستمزدی که در ابتدای سال تعیین شده، به مسئله‌ای دشوار تبدیل می شود. از همین منظر، بازنگری در سازوکار افزایش حقوق و دستمزدها و بررسی امکان ترمیم آن در طول سال، به مطالبه‌ای جدی در میان کارشناسان و نمایندگان تبدیل شده است.

۷۵ درصد کارکنان دولت زیر ۳۵ میلیون تومان دریافتی دارند

با وجود طرح مطالبه افزایش حقوق ها، مسئله مهم دیگر، وضعیت منابع و امکانات دولت برای اجرای این سیاست است؛ موضوعی که رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس نیز به تازگی با اشاره به آمار دریافتی کارکنان دولت و محدودیت‌های مالی دولت به آن پرداخته است. غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگویی، با اشاره به ضرورت توجه به وضعیت معیشتی کارکنان دولت و افزایش حقوق‌ها، اظهار کرد: واقعیت این است که باید در این زمینه واقع‌بین باشیم و شرایط و مقدورات موجود را در نظر بگیریم. نماینده مردم گچساران در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: منابع دولت در بودجه کاهش پیدا کرده و با آسیب جدی مواجه شده است؛ به عنوان مثال نمی‌توان گفت نفت صادر نمی‌کنیم، اما درآمد نفتی ما افزایش پیدا می‌کند یا در شرایطی که رشد اقتصادی منفی است، درآمدهای مالیاتی ما افزایش یابد؛ چراکه وقتی رشد اقتصادی منفی باشد، درآمدهای مالیاتی نیز باید متناسب با آن کاهش پیدا کند. بنابراین باید تاکید کنم که در مجموع، منابع دولت کاهش پیدا کرده است. رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش نرخ تورم بیان کرد: از سوی دیگر، نرخ تورم رشد بسیار بالایی داشته و این میزان افزایش، غیرقابل تصور بوده است. ما جلسات متعددی در این زمینه برگزار کرده و می‌کنیم که یکی از موضوعات مهم امسال و همچنین از محورهای مورد توجه برای سال آینده خواهد بود. وی با اشاره به وضعیت دریافتی کارکنان دولت اظهار کرد: براساس آماری که می‌توانم ارائه کنم، حدود ۷۵ درصد کارکنان دولت حقوق و مزایایی کمتر از ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان دریافت می‌کنند که این عدد بسیار قابل توجه و نگران‌کننده است. البته دریافتی افرادی که کف حقوق را دریافت می‌کنند نیز پایین است و شاید یک تا دو درصد در محدوده ۱۵ تا ۱۶ میلیون تومان حقوق دریافت کنند. تاجگردون تصریح کرد: بنابراین، اینکه ۷۵ درصد کارکنان دولت کمتر از ۳۵ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند، به هیچ وجه با شاخص‌های زندگی مطابقت ندارد. رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با اشاره به برگزاری جلسات مستمر میان مجلس و دولت برای بررسی وضعیت حقوق و مزایای کارکنان گفت: ما جلسات متعددی داریم که تقریبا به صورت هفتگی برگزار می‌شود؛ دولت محدودیت‌های خود را مطرح می‌کند و ما نیز مطالبات و خواسته‌های مردم را بیان می‌کنیم. وی افزود: نمی‌خواهم در این مرحله عددی اعلام کنم و اساسا هنوز زمان اعلام رقم نهایی نیست. دولت باید بررسی‌های لازم را انجام دهد و اعداد و ارقام دقیق را استخراج کند، اما باید تاکید کنم که فاصله زیادی میان درخواست‌های ما و مقدورات و امکانات دولت در زمینه میزان افزایش حقوق و مزایا یا حمایت‌های معیشتی وجود دارد و دولت نیز محدودیت‌ها و معذوریت‌های خود را دارد. تاجگردون ادامه داد: شاید مجبور شویم برای اینکه به معیشت کارکنان دولت و جامعه توجه کنیم، اجرای برخی از اهداف و برنامه‌های اجرایی خود را به تعویق بیندازیم تا بتوانیم تاب‌آوری مردم را افزایش دهیم و شرایط موجود و سطح فعلی زندگی آنها را حفظ کنیم. وی با تاکید بر اینکه فاصله میان مطالبات مجلس و امکانات دولت همچنان زیاد است، افزود: با این حال، به یکدیگر نزدیک خواهیم شد تا بتوانیم قدرت خرید مردم را افزایش دهیم. فقط می‌توانم بگویم که فاصله میان مطالبات و امکانات دولت زیاد است و منابع و امکانات دولت نیز به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرده، اما دغدغه دولت و مجلس این است که تا حد امکان قدرت خرید مردم را افزایش دهیم؛ حال این حمایت می‌تواند در قالب کالابرگ یا پرداخت مستقیم صورت بگیرد. رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به دو رویکرد مطرح در زمینه حمایت معیشتی از مردم گفت: در این زمینه دو نگاه وجود دارد؛ یک نگاه بر تقویت کالابرگ تاکید دارد و نگاه دیگر به دنبال افزایش قدرت خرید مردم برای تامین سایر کالاهاست. تلاش می‌کنیم میان این دو رویکرد تعادل برقرار کنیم تا بتوانیم به یک عدد واقعی و قابل اجرا برسیم؛ عددی که امکان عملیاتی شدن آن وجود داشته باشد.

مجلس به دنبال متقاعد کردن دولت برای ترمیم حقوق‌هاست

در همین زمینه، مهرداد لاهوتی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی نیز در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه»، با اشاره به ضرورت افزایش حقوق کارکنان در سال جاری، گفت: نباید به این موضوع اکتفا کنیم که حقوق‌ها صرفا سالی یک بار افزایش پیدا کند، بلکه باید شرایط اقتصادی و میزان تورم را نیز در تعیین سطح حقوق و دستمزدها مدنظر قرار دهیم. نماینده مردم لنگرود در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مجلس در حال تلاش برای متقاعد کردن دولت به ترمیم حقوق‌ها در سال جاری است، افزود: با توجه به تورم غیرطبیعی که امسال با آن مواجه هستیم، ضروری است موضوع افزایش حقوق‌ها متناسب با شرایط اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد. وی ادامه داد: زمانی که در قانون بودجه، افزایش ۲۰ درصدی حقوق‌ها را پیش‌بینی کردیم، نرخ تورم در محدوده ۳۰ درصد و بالاتر قرار داشت و افزایش حقوق در بودجه با در نظرگرفتن میانگین دریافتی کارکنان، به‌طور متوسط حدود ۳۰ درصد و اندکی بیشتر برآورد شد. لاهوتی تصریح کرد: نکته مهم این است که اکنون با توجه به تورم غیرطبیعی ایجادشده، باید از هر طریق ممکن برای ترمیم حقوق‌ها اقدام کنیم تا قدرت خرید کارکنان، بازنشستگان و کارگران متناسب با شرایط اقتصادی حفظ شود. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس تاکید کرد: مجلس موضوع ترمیم حقوق‌ها در سال جاری را با جدیت پیگیری خواهد کرد و در این زمینه تلاش می‌کنیم دولت را به اتخاذ تصمیمی متناسب با شرایط تورمی موجود متقاعد کنیم. آنچه از مواضع نمایندگان مجلس برمی‌آید، وجود توافق بر سر ضرورت توجه بیشتر به قدرت خرید مردم و بررسی امکان ترمیم حقوق‌ها در شرایط تورمی فعلی است؛ با این حال، اختلاف اصلی همچنان بر سر میزان افزایش و چگونگی تامین منابع آن قرار دارد. از یک سو، افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید، ضرورت بازنگری در دریافتی حقوق‌بگیران را برجسته کرده و از سوی دیگر، کاهش منابع دولت و محدودیت‌های بودجه‌ای، اجرای این مطالبه را با ملاحظاتی همراه کرده است؛ همچنین اگر قرار باشد افزایش دستمزدها متناسب با شرایط ابتدای سال تعیین شود، اما در ادامه سال تورم با سرعت بیشتری حرکت کند، فاصله میان درآمد و هزینه خانوارها همچنان افزایش خواهد یافت. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره ترمیم حقوق‌ها نیازمند توجه همزمان به دو مسئله است؛ نخست، جبران بخشی از کاهش قدرت خرید کارمندان، کارگران و بازنشستگان و دوم، تامین منابع مالی پایدار و غیرتورمی برای اجرای این سیاست. در غیر این صورت، افزایش حقوق‌ها بدون پیش‌بینی منابع مناسب می‌تواند خود به عاملی برای تشدید فشارهای اقتصادی تبدیل شود. اکنون باید دید مذاکرات مستمر دولت و مجلس به چه نتیجه‌ای خواهد رسید و آیا دو طرف می‌توانند با در نظرگرفتن محدودیت‌های منابع و ضرورت‌های معیشتی، به راهکاری عملی برای ترمیم حقوق‌ها در نیمه دوم سال دست پیدا کنند یا خیر؛ موضوعی که نتیجه آن نه‌تنها بر دریافتی کارکنان دولت، بلکه بر قدرت خرید بخش قابل توجهی از جامعه اثرگذار خواهد بود.

کدخدایی، سرپرست دبیرخانه مجمع تشخیص:
سیاست‌های کلی هوش مصنوعی باید قابل بازنگری باشد

یک‌شنبه/ ۱۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۷۸

دستور فرمانده کل قوا به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح نسبت به هر تهدید احتمالی دشمن

پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی

فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، فرمانده کل قوا دیدار کردند.

رهبر انقلاب در این دیدار، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان» را از الزامات «بازدارندگی حداکثری» دانستند و مقرر کردند هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود.

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تصریح کردند: اگر دشمنان مجددا حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند. فرمانده کل قوا همچنین بر تقویت معماری اطلاعات نظامی، تعمیق دفاع بومی در دو حوزه «دکترین» و «تاکتیک»، رشد توانمندی‌های روزآمد دفاعی و امنیتی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت بنیه معنوی و روحیه جهادی همزمان با تلاش بی‌وقفه برای تامین نیازهای معیشتی و پشتیبانی از نیروهای مسلح، تاکید کردند.

در بخش دیگری از تدابیر فرمانده کل قوا مقرر شد بانک اهداف به نحوی به‌روزرسانی شود که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی - صهیونی در تیررس نیروهای مسلح قرار گیرد.

ایشان حمایت ملی از نیروهای مسلح را از ارکان بازدارندگی در برابر بیگانگان ایران‌ستیز و مزدوران داخلی آنها دانستند و اضافه کردند: حضور هشت ماهه ملت مبعوث در میادین، امتداد بخش دفاع مقدس هشت‌ساله است که به موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی از تمامیت سرزمینی ایران و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد.

رهبر انقلاب اسلامی با قدردانی از استواری هوشمندانه جبهه مقاومت در کشورهای مختلف، وحدت ساحات را متغیری تعیین‌کننده با تاثیر راهبردی در شکل‌دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا دانستند و ابراز امیدواری کردند این نظم جدید زمینه روزافزون اتحاد ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم کند.

سردار سرلشکر عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، امیر سرلشکر حاتمی فرمانده کل ارتش و سردار سرلشکر وحیدی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دیدار با فرمانده کل قوا ضمن ارائه گزارش‌هایی از وضعیت آمادگی مدافعان کشور در سواحل خلیج فارس، مناطق عملیاتی تنگه هرمز، دریای عمان و مرزهای شمال غرب و جنوب شرق کشور، گزارشی نیز از تولید چند برابری انواع مهمات و سلاح‌های شناسایی، پشتیبانی و رزمی به استحضار ایشان رساندند. فرمانده کل قوا ضمن اظهار خرسندی از فعالیت‌های انجام شده، از فرماندهان ارشد نظامی خواستند مراتب تشکر و رضایت ایشان را به اطلاع همه نیروهای نظامی، انتظامی، بسیجی و کارکنان این سازمان‌ها و وزارت دفاع و خانواده‌های معززشان برسانند.

معادلات نوین بازدارندگی

در شرایطی که دولت تروریست آمریکا (دونالد ترامپ) و فرزند ناخلف آنها- رژیم صهیونی- خواب‌هایی را برای منطقه غرب آسیا دیده‌اند، دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، بازتعریف دکترین دفاعی جمهوری اسلامی در برابر سیاست‌های استکبار تحلیل می‌شود. این دیدار، پیام صریح به دنیا داد و آن اینکه، ایران با تکیه بر بازدارندگی فعال، هرگونه جسارت دشمن را در نطفه خفه خواهد کرد.

اگر بخواهیم ارزیابی از دستورات فرمانده کل قوا یا نقشه راهی که برای نیروهای مسلح ترسیم کرده‌اند، داشته باشیم باید به چهار محور بپردازیم:

۱- دکترین پاسخ نظامی ایران به دشمن: دستور فرمانده کل قوا مبنی بر پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی در دکترین نظامی ایران قابل تامل است. این دستور به معنای آن است که جمهوری اسلامی، «مکان» را دیگر به عنوان یک محدودیت برای پاسخ متقابل به تجاوزات نمی‌بیند. وقتی از عبارت بدون محدودیت جغرافیایی استفاده می‌شود، یعنی هر نقطه‌ای از جهان که دارایی‌های دشمن در آن قرار داشته باشد و عامل تهدید باشد، در صورت وقوع هرگونه جسارت، به میدان عملیات تبدیل خواهد شد. این پیام به صورت مستقیم قلب فرماندهی ترامپ را هدف می‌گیرد چرا که به او می‌فهماند فاصله جغرافیایی میان واشنگتن یا تل‌آویو با خاک ایران، نمی‌تواند نقش سپر حفاظتی را ایفا کند. ایران اعلام کرده است، بازوی انتقامش، هرکجا که لازم باشد، با سرعت و دقت فرود خواهد آمد.

۲- مهندسی بانک اهداف: دارایی‌های مادی (پایگاه‌ها، ناوگان‌ها و زیرساخت‌ها) همواره هدف بوده‌اند و در دو جنگ تحمیلی اخیر پایگاه‌های آنان در منطقه در تیررس موشک‌های دوربرد نیروهای مسلح و هوافضای سپاه قرار گرفت، اما اکنون و بعد از دو جنگ، ایران نگاه کاملا جامع و گسترده‌ای به آمریکا و صهیونیست‌ها دارد و فقط محدود به پایگاه‌ها نمی‌شود؛ از زیرساخت‌های سایبری و شبکه‌های نفوذ گرفته تا اعتبارات سیاسی و امنیتی آمریکا در منطقه در تیررس سربازان و فرماندهان ایرانی است. ایران نقاطی را مورد هدف و ضربه قرار می‌دهد که تعادل روانی و امنیتی دشمن به‌هم می‌خورد و هزینه هرگونه ماجراجویی را برای ترامپ بالا می‌برد.

۳- پایان توهم «جنگ‌های سریع»: تصریح رهبر انقلاب مبنی بر اینکه زمان و شرایط پایان نبرد را ایران تعیین می‌کند، ضربه‌ای به استراتژی «صدمات سریع و فشار شدید» آمریکا علیه ایران است. به دلیل آنکه، دشمن همواره تصور می‌کرد می‌تواند با یک حمله برق‌آسا، اراده ایران را درهم شکسته و سپس ادعای پیروزی کند، با همین نگاه در جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه به کشورمان حمله کردند. در همان مقطع تیرشان به سنگ خورد، حال و پس از عبور از دو جنگ تحمیلی، قطعا نیروهای مسلح توانمندتر و قوی‌تر شده‌اند و در صورت وقوع هرگونه درگیری، نه تنها از پس ضربات دشمن برمی‌آیند، بلکه این تهران است که تصمیم می‌گیرد جنگ چه زمانی و تحت چه شرایطی به پایان برسد. رحمت و رضوان خدا بر سردار دل‌ها. او گفته بود: «آقای ترامپ قمارباز... این جنگ را شما شروع می‌کنید اما پایانش را ما ترسیم می‌کنیم.»

۴- وحدت ساحات و تمدن نوین: آنچه از وحدت ساحات دریافت می‌شود این است که ایران در برابر دشمن، به صورت تک بعدی و تنها در مرزهای خود نمی‌جنگد، جبهه مقاومت به عنوان بدنه واحد عملیاتی ورود پیدا می‌کنند. در جنگ ۴۰ روزه نیز شاهد بودیم، حزب‌الله مقتدر با هدایت‌ها و رهبری‌های داهیانه شیخ نعیم قاسم پای کار ایران آمد و مقابل صهیونیست‌ها ایستاد. بر همین مبنا، وحدت ساحات تبدیل تعدد جغرافیایی به قدرت واحد تفسیر می‌شود و این کابوسی برای ترامپ است، زیرا او با دشمنی روبه‌روست که نه تنها در داخل کشورش مقتدر است، در سراسر منطقه، بازوهای عملیاتی دارد و هر لحظه آماده‌اند تا دستور پاسخ فوری و بدون محدودیت جغرافیایی را اجرا کنند.

افزایش آمادگی‌های ایران نسبت به گذشته

دلیل اصلی اینکه فرمانده کل قوا بر پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی تاکید می‌کنند، همین تجربه دشمن از بی‌اثر بودن تهدیدات‌شان است. هرچند با ترور و جنگ، خبرگان جامعه ایرانی را گرفت و تعدادی از هموطنان مظلوم و کودکان به شهادت رسیدند و هیچکس نمی‌تواند منکر آن شود اما در مجموع نتوانست (دشمن) سناریوهایش را در قبال این آب و خاک به پیش ببرد به همین جهت به لفاظی و تهدید روی می‌آورد تا مردم کوچه و بازار را بترساند و القا کند تهدیدات یا گزینه‌های نظامی ما همچنان روی میز است. این در حالی است که به گفته نماینده مجلس شورای اسلامی توانایی‌های ایران نسبت به قبل افزایش پیدا کرده و آمادگی‌های بیشتر ایران، در قالب بانک اهداف و پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی اعلام شد.

حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با بیان اینکه آمریکایی‌ها از تهدید به عنوان ابزار استفاده می‌کنند، گفت: امروز آنان مطمئن هستند که تهدیدات‌شان هیچ‌گونه تاثیری ندارد، در جنگ ۱۲ روزه در شرایط غافلگیرکننده به ما حمله کردند، پاسخ محکمی گرفتند، در جنگ ۴۰ روزه ما با آمادگی بیشتری حضور داشتیم و شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که آنها به دست و پا افتادند و دنبال این بودند که بالاخره آتش بس برقرار شود. وی با بیان اینکه امروز آمادگی ما بسیار بیشتر است، اظهار کرد: بنده به عنوان یک آدم مطلع می‌گویم که ما در کشور آمادگی داریم و به آنها هم به نوعی تفهیم کرده‌ایم که آمادگی و توانمندی ما در مقایسه با گذشته بسیار بالاتر است.

نماینده مردم مشهد تصریح کرد: خودشان هم می‌دانند که تنها مسیری که اگر بخواهند از طریق آن به خواسته‌های‌شان برسند، استفاده از بلوف‌هایی است که می‌زنند تا بتوانند در داخل، با کمک نیروهای داخلی خودشان، فضای روحی و روانی مردم را تخریب کنند. پژمانفر گفت: توجه داشته باشیم که دشمن امروز هیچ حربه‌ای به غیر از عملیات روانی ندارد. مطمئنا این تعبیر را می‌توان به کاربرد که دیگر دوران «بزن دررو» گذشته است. برعکس گذشته، امروز اگر دشمن یکی بزند، چنان می‌خورد که دیگر در منطقه نتواند سراغی از جنازه‌های سربازانش بگیرد.

هشدار ارتش به آمریکا

قبل از انتشار خبر دیدار فرماندهان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سخنگوی ارتش حسابی برای آمریکای ترامپ خط و نشان کشید تا مبادا دوباره در تور درخواست‌های رژیم صهیونی گرفتار شود و بخواهد به ایران تهاجم کند. امیر اکرمی‌نیا روز گذشته در صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی با بیان اینکه با دقت تحرکات آمریکا در منطقه را زیر نظر داریم، نوشت: «اگر رئیس جمهور آمریکا بار دیگر با تهدید و تطمیع صهیونیست‌ها دست به ماجراجویی دیگری در منطقه بزند، بی‌تردید آتش جنگ جغرافیای گسترده‌تری را در بر خواهد گرفت و پایان جنگ به دست او نخواهد بود.»

در اصل ارتش با این پیام، به ترامپ تفهیم کرد، اگر دست به ماجراجویی بزند، با یک ارتش روبه‌رو نیست که فقط از مرزهایش دفاع کند، بلکه با نیرویی روبه‌روست که طبق دستورات فرمانده کل قوا، آماده است جغرافیای نبرد را به هرجایی که مصلحت ایجاب کند، گسترش دهد. در یک کلام، این دیدار و دستورات متعاقب آن، آغاز عصر «بازدارندگی تهاجمی» است. ایران به ترامپ و متحدانش ثابت کرد، یاوه‌گویی‌های سیاسی و تهدیدات توخالی، در برابر اراده‌ای که همزمان بر فناوری نوین، بنیه معنوی و دکترین به‌روز تکیه دارد، بی‌اثر است. بالاخره ایران امروز نه تنها در مرزهای خود مقتدر است، بانک اهدافی دارد که هیچ جای امنی برای دشمن باقی نگذاشته و اراده‌ای دارد که زمان پایان هر نبردی را تعیین می‌کند. بنابراین، هرگونه جسارت در برابر این معادلات، تنها به معنای ورود به مسیری است که در آن، کنترل میدان و تعیین پایان درگیری، کاملا در اختیار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی خواهد بود.

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت سالروز عملیات ذوالفقاری عوامل پیروزی ملت را برشمردند

غلبه بر دشمن متجاوز و مسلح با هوشیاری و ایستادگی ملی

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت سالروز حماسه مردمی ذوالفقاری در ۹ آبان سال ۱۳۵۹ در آبادان با اشاره به این حماسه که اولین ظفر ملت ایران در آغاز جنگ تحمیلی اول بود، تاکید کردند: امروز همان هوشیاری و ایمان، همان انگیزه و اراده، همان فداکاری و جان‌فدایی و همان غیرت و ایستادگی است که تحت عنایات حضرت حق جل و علا و توجهات سرورمان (عج) یاری‌کننده ملت مظلوم و مقتدر ایران است.

متن پیام مقام رهبری به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

۹ آبان ماه، سالروز حماسه مردمی و عملیات سلحشورانه رزمندگان اسلام علیه متجاوزان بعثی و بیرون راندن آنان از جزیره آبادان، تنها ۴۰ روز پس از آغاز جنگ تحمیلی اول در سال ۱۳۵۹ است. این حماسه مهم که اولین ظفر ملت ایران در دفاع مقدس هشت ساله محسوب می‌شود و کمتر در موردش گفته شده است، به‌عنوان عملیات ذوالفقاری نامگذاری شده و درس‌های بسیاری در مقابله با دشمنان و متجاوزان به میهن اسلامی‌مان در همه زمان‌ها دارد. آن روزها حاکم مستبدی بر عراق فرمان می‌راند که نسبت صحیحی با عقاید و سنن ایشان برقرار نمی‌نمود و برخلاف مرام ملت کریم عراق که به‌حق با مردم ایران نسبت برادری دارند، تصور می‌کرد با طرح بعضی شعارها و ادعاهای پوچ می‌تواند رابطه عمیق دو ملت که پیشینه‌ای متکی بر مکتب و مودت نسبت به خاندان عصمت و طهارت صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین دارد را از هم بگسلد.

دشمن بعثی، آن روزها نیز همچون دشمن امروز از شیوه‌های متداول تجاوز، اشغالگری و محاصره استفاده کرد و راه مقابله موثر و پیروزی بر نقشه شوم او نیز هوشیاری مردم و نیروهای جان‌فدا و ایستادگی غیورمردانه آنها در کنار سلحشوری دلاوران ارتش و سپاه بود. آن روز، یک کارگر ساده و غیور ایرانی با فداکاری و از جان‌گذشتگی، مردم را از نقشه شوم دشمن آگاه کرد و جمعی از نیروهای مردمی و اهالی مساجد آن منطقه، با ایمان و انگیزه الهی و حداقل امکانات و با هدایت امام جمعه مجاهد و فداکار آبادان، عالم عامل و شجاع، مرحوم آیت‌الله جمی رحمه‌الله علیه در میدان مبارزه حاضر شدند. این حرکت مردمی، دشمن متجاوز و مسلح به سلاح‌های پیشرفته را پشیمان کرد و دیری نگذشت که زنجیره‌ای از اقوام گوناگون ملت ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب برای دفاع از مرزهای ایران اسلامی منسجم گردید تا آنگاه که کمتر از یک سال بعد، شکست حصر آبادان به لطف الهی و با فرمان امام امت قدس سره الشریف محقق شد و امروز نیز همان هوشیاری و ایمان، همان انگیزه و اراده، همان فداکاری و جان‌فدایی و همان غیرت و ایستادگی است که تحت عنایات حضرت حق جل و علا و توجهات سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، یاری‌کننده ملت مظلوم و مقتدر ایران در مواجهه با سلطه‌گری، جنایت و تجاوزشیطان بزرگ و رسیدن به ظفر در جنگ تحمیلی سوم است.

و ما النَّصر الا مِن عند الله العزیز الحکیم.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۹/ آبان/ ۱۴۰۵

«آگاه» در گزارشی به بررسی سخنان روز گذشته معاون اول رئیس جمهور پرداخت

ایران و مثلث شانگهای، اکو و اوراسیا

اظهارات اخیر معاون اول رئیس جمهور مبنی بر بهبود شرایط تعامل ایران در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اوراسیا، بازتابی از نتایج ملموس سفرهای اخیر رئیس جمهور به روسیه و حضور عارف در اجلاس نخست وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای است که نشان می‌دهد ایران از مرحله مواجهه با فشار به مرحله ساختن ساختارهای جایگزین عبور کرده است.

محمدرضا عارف در جلسه برنامه‌ریزی اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، با تاکید بر اهمیت میزبانی شایسته ایران از این اجلاس، با بیان اینکه تعامل و توسعه روابط با کشورهای منطقه یکی از راهبردهای دولت چهاردهم و به‌ویژه رئیس جمهور است، گفت: دولت در این زمینه دستاوردهای ارزشمندی کسب کرده است که بخشی از آن به روش و منش رئیس جمهور و بخش دیگری به عملکرد دستگاه‌های اجرایی و همچنین آمادگی کشورهای منطقه برای تعامل با جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد.

تعامل ایران با شانگهای و اوراسیا نسبت به گذشته بهبود یافته است

وی با اشاره به حضور ایران در سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای گفت: جمهوری اسلامی ایران مشارکت جدی و بسیار مناسبی در مجموعه‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارد. شرایط کشور در این سازمان‌ها و اتحادیه‌ها نسبت به گذشته بسیار بهتر شده و تعامل واقعی با کشورهای عضو شکل گرفته است.

معاون اول رئیس جمهور با اشاره به اهمیت برگزاری اجلاس سران اکو در ایران اظهار کرد، تجربه نشان داده است که کشور در اجلاس‌هایی که میزبانی آنها را بر عهده داشته، موفقیت‌های بیشتری به دست آورده است. مسئولان کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس‌ها با ذهنیت مثبتی ایران را ترک کرده‌اند و آثار میزبانی جمهوری اسلامی ایران از نشست‌های منطقه‌ای را در اجلاس‌های بعدی نیز مشاهده کرده‌ایم.

اجلاس اکو فرصتی برای جبران کم‌کاری‌های چهار دهه گذشته است

عارف با اشاره به سابقه تشکیل سازمان همکاری اقتصادی با محوریت سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه گفت: متاسفانه این سازمان که اکنون ۱۰ عضو دارد، عملکرد مناسبی نداشته است. سران کشورهای عضو نیز بر این موضوع تاکید دارند که فعالیت‌های اکو باید گسترش یابد تا این سازمان به جایگاه منطقه‌ای خود بازگردد. وی با اشاره به گسترش روابط کشورهای عضو اکو با یکدیگر در قالب همکاری‌های دوجانبه یا سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای اظهار کرد: این تعاملات موجب شده است کشورهای عضو آمادگی مناسبی برای ارتقای همکاری‌ها در چارچوب سازمان اکو داشته باشند. کشورهای عضو اکو در حوزه تمدنی ایران قرار دارند و اشتراکات فرهنگی فراوان میان آنها، زمینه مناسبی برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کرده است. معاون اول رئیس جمهور با تاکید بر ضرورت استفاده از ظرفیت اجلاس پیش رو گفت: این اجلاس فرصت بسیار مهمی برای جبران کم‌کاری‌های چهار دهه گذشته و ترسیم افق پیش روی سازمان همکاری اقتصادی است. به‌ویژه آنکه چالش‌های منطقه کاهش یافته و کشورهای آسیای میانه و آسیای مرکزی، قفقاز و کشورهای شرق ایران برای گسترش همکاری با کشورمان آمادگی دارند. عارف با تاکید بر ضرورت برگزاری اجلاس سران اکو در بهترین سطح در ایران تصریح کرد: اقدامات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به برگزاری این اجلاس باید بر اساس اولویت‌های مشخص انجام شود. وی گردشگری، علم و فناوری، امنیت فضای سایبری و تجارت را از محورهای مهم همکاری میان کشورهای عضو اکو برشمرد و خواستار توجه ویژه به این حوزه‌ها در برنامه‌ریزی اجلاس شد. برگزاری این اجلاس باید زمینه‌ای برای ارتقای سطح تعاملات و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای میان کشورهای عضو فراهم کند.

ایران؛ بازیگری فعال در شانگهای و اوراسیا

آنچه در نشست برنامه‌ریزی اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) بیان شد حکایت از آن دارد، سفرهای اخیر رئیس جمهور به روسیه و حضور فعال در سازمان شانگهای یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا، گام برداشتن به سمت دیپلماسی ساختارگرا است و عضویت جمهوری اسلامی در این مجموعه‌ها نشان می‌دهد، فقط بازیگر تاثیرگذاری در منطقه نیستیم بلکه به بازیگری در سیستم‌های چندجانبه تبدیل شده‌ایم. حضور در شانگهای و اوراسیا به معنای آن است که ایران در حال پیوند خوردن با قطب جدید قدرت در جهان است؛ قطبی که بر پایه چندجانبه‌گرایی و تضعیف سلطه تک‌جانبه بنا شده است. این یعنی ایران در حال بازتعریف جایگاه خود در نظم نوین جهانی است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحول، جنبه اقتصادی آن است. حضور در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و تعامل با روسیه، پاسخی به سیاست‌های فشار و تحریم است. سفرهای اخیر رئیس جمهور نشان داد، هدف از این تعاملات، صرفا گفت‌وگوی سیاسی نیست، در اصل ایجاد مسیرهای جایگزین تجاری است. وقتی ایران در میان اتحادیه‌های اقتصادی بزرگی مانند اوراسیا قرار می‌گیرد، در واقع در حال ساختن شبکه اقتصادی است که با تحریم‌های غرب، به‌راحتی قطع نمی‌شود. این یعنی تبدیل کردن محدودیت‌های تحریمی به فرصت‌های تجاری جدید در محور شرق؛ جایی که امنیت انرژی، مسیرهای ترانزیتی و بازارهای جدید، جایگزین بازارهای سنتی و تحت فشار می‌شوند.

اتحادیه اوراسیا و جایگاه ویژه در دیپلماسی اقتصادی ایران

به هر حال جمهوری اسلامی ایران به سازوکارها و چارچوب‌های چندجانبه منطقه‌ای که توسط کشورهای منطقه و بدون وابستگی به قدرت‌های اخلال‌گر فرامنطقه‌ای شکل می‌گیرد، باور دارد. همگرایی اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای کلید رشد پایدار و رفاه مشترک است و همواره تلاش می‌کند، عضو و شریکی موثر و قابل اتکا در ترتیبات و بلوک‌های منطقه‌ای باشد. حضور فعال ایران در ترتیباتی همچون سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، بریکس، سازمان همکاری‌های اقتصادی هشت کشور در حال توسعه D-۸، مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا، ACD، اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند مجمع (آیورا) و سازمان همکاری شانگهای شاهدی بر این مدعاست. در این بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ایران دارد و موافقت‌نامه تجارت آزاد فیمابین و کسب موقعیت ناظر در این اتحادیه، نشانه‌ای از حضور موثر و مولد در فعالیت‌های این نهاد مهم اقتصادی در این پهنه جغرافیایی است.

ضمن آنکه باید توجه داشت، تعامل واقعی با کشورهای عضو شانگهای، ابعاد امنیتی جدیدی را برای ایران رقم می‌زند. سازمان همکاری شانگهای، متمرکز بر امنیت، مبارزه با تروریسم و ثبات منطقه‌ای است. حضور ایران در این سازمان، به معنای مشارکت در مراقبت از امنیت از طریق همکاری‌های منطقه‌ای است، نه از طریق مداخله‌های فرا منطقه‌ای (غرب و آمریکا). این رویکرد باعث می‌شود، ایران بتواند با هم‌سویی با قدرت‌های بزرگ شرق، توان خود را در مدیریت امنیت منطقه- از جمله در برابر تهدیدات آمریکا- به کار گیرد، بدون آنکه نیاز به تکیه بر الگوهای امنیتی غربی داشته باشد.

در مجموع، اظهارات معاون اول رئیس جمهور، بیانگر واقعیت جدید است؛ ایران نه تنها در حاشیه قرار ندارد، در هسته مرکزی ساختارهای جدید قدرت قرار گرفته است. سفرهای اخیر رئیس جمهور به روسیه و اجلاس شانگهای قدرت‌نمایی ایران را به وضوح نمایش می‌دهد. جمهوری اسلامی با استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای، در حال پیوند دادن امنیت ملی خود با «امنیت چندجانبه جهان» است. این حرکت، نه تنها فشارهای خارجی را بی‌اثر می‌کند، بلکه ایران را به عنوان رکن اصلی در نظم جدید سیاسی و اقتصادی جهان، تثبیت خواهد کرد.

عبدالرضا رحمانی‌فضلی، سفیر ایران در چین:
دوستی تهران و پکن فراتر از مناسبات سیاسی و اقتصادی است

یک‌شنبه/ ۱۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۷۸

مطالبه ساخت سلاح اتمی، این روزها به یک خواست و اراده ملی تبدیل شده است

رمزگشایی از دکترین بازدارندگی

مطالبه بمب اتم به یک مطالبه جدی در میان آحاد مردم تبدیل شده است. از تریبون‌های نمازعبادی- سیاسی جمعه تا تجمعات شبانه و حتی محافل روشنفکری؛ هرجا پا بگذاریم و گوش استماع بسپاریم، صدای درخواست رسیدن ایران به بازدارندگی مطلق و تمام عیار که همان بمب اتم است، شنیده می‌شود.

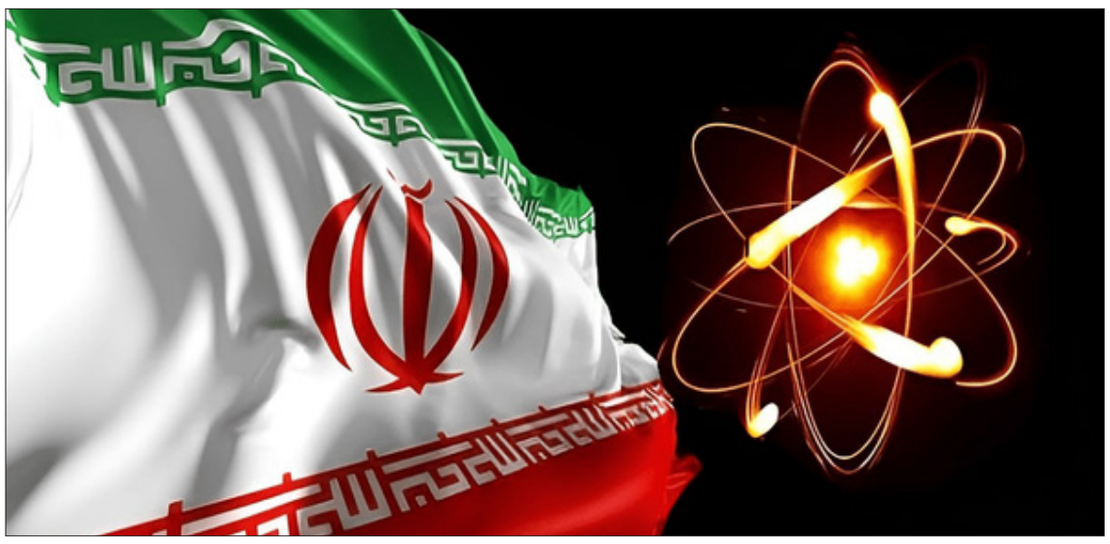

این روزها، گفتمان عبور از مرزهای هسته ای پیشین و دستیابی به چتر امنیت مطلق، دیگر نه یک زمزمه درگوشی، بلکه فریادی رسا و برخاسته از بطن توده‌های مردمی است؛ خواسته‌ای که از گلدسته‌های مصلی‌ها تا کف خیابان‌ها و کرسی‌های دانشگاهی، با صلابتی بی‌سابقه طنین انداز شده است.

کوچه و بازار، مساجد و محافل نخبگانی، همگی یک صدا شده‌اند؛ افکار عمومی با عبور از محاسبات فرسایشی، بازدارندگی سترگ و تمام عیار هسته‌ای را تنها ضامن صیانت از کیان این سرزمین و پاسخی قاطع به گزافه‌گویی‌های سردمداران نظام سلطه می‌داند.

پالس های ارسالی از بدنه اجتماع حاکی از یک تحول بنیادین در پارادایم امنیتی مدنظر مردم است؛ اصرار بر دستیابی به ابزار بازدارنده‌ای که موازنه قوا را برای همیشه به نفع ایران رقم بزند، از تریبون های نماز جمعه تا حلقه های فکری، به گفتمان غالب و مطالبه‌ای ملی مبدل شده است.

بازنگری در دکترین هسته‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی‌اکبری در خطبه‌های نماز عبادی- سیاسی جمعه تهران که در دانشگاه تهران اقامه شد، طی سخنانی در خصوص طرح موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای کشور عنوان کرد: در نماز جمعه گذشته این موضوع را مطرح کردیم که چرا باید در دکترین هسته‌ای خود تجدیدنظر کنیم. این مطالبه، یک واکنش شتاب‌زده و هیجانی نیست، بلکه حاصل بلوغ و آگاهی ملی است. دشمنان همه خطوط قرمز ملت ایران را زیر پا گذاشته‌اند، امام ما را به شهادت رسانده‌اند و به تعهدات و قراردادهای خود پایبند نبوده‌اند. ملت ایران در طول سال‌های گذشته تجربه‌ای دردناک از رفتار طرف مقابل داشته و اکنون با آگاهی و بصیرت گسترده، موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای را به‌عنوان یکی از عرصه‌های بازدارندگی و تامین امنیت ملی مطرح می‌کنند.

امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه این مطالبه ریشه در حق حیات عزتمندانه ملت ایران دارد، تصریح کرد: برخی از مطرح شدن این موضوع عصبانی شدند، اما این خواست ملت ایران است و نباید آن را به یک گروه خاص محدود کرد. پیش از این نیز در برخی نظرسنجی‌ها بیش از ۷۰ درصد مردم خواستار تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای بودند، اما پس از طرح این موضوع در نماز جمعه، موجی از درخواست‌ها و استقبال از سوی اقشار مختلف مردم، از جمله دانشجویان، دانش‌آموزان، استادان دانشگاه، نخبگان و اصناف شکل گرفت.

وی ادامه داد: اکنون با یک مطالبه ملی روبه‌رو هستیم و امیدواریم نخبگان و صاحب‌نظران درباره این موضوع مطالعه و بررسی کنند و پیشنهادها و طراحی‌های خود را ارائه دهند. مسئولان مرتبط نیز باید بررسی‌های تکمیلی را انجام دهند تا پیشنهادها به محضر رهبر انقلاب ارائه شود. در نهایت، هر تصمیمی که رهبر انقلاب تشخیص دهند، مورد تبعیت ما خواهد بود و همه زیر پرچم ایشان قرار داریم؛ اما در عین حال باید به این مطالبه و توقعی که در سطح جامعه شکل گرفته است نیز توجه شود.

رسیدن به بازدارندگی مطلق

به طور کلی، مطالبه ساخت سلاح اتمی، پس از جنگ ۱۲ روزه به یک مطالبه اصلی در بین اقشار مختلف مردم و گروه‌های نخبگانی تبدیل شد. این مطالبه، پس از جنگ ۴۰ روزه نیز تشدید شد. دشمن متجاوز صهیونیستی و آمریکایی طی یک سال، دو بار به ما تجاوز وحشیانه کردند و حتی به کودکان ما نیز رحم نکردند؛ در چنین فضایی، آنچه دشمن را دگر بار از تجاوز باز می دارد، برخورداری از سلاح اتمی و رسیدن به بازدارندگی مطلق و تمام عیار است. تکرار تجاوزات دد منشانه محور شرارت آمریکایی و صهیونیستی در کارزار ۱۲ روزه و سپس آزمون خونین ۴۰ روزه، پرده از جنایاتی برداشت که حتی از کودکان این مرز و بوم نیز نگذشت؛ فاجعه‌ای هولناک که افکار عمومی و بدنه نخبگانی را به این جمع‌بندی قاطع رساند که جز با تکیه بر بازدارندگی مطلق اتمی و قاطع‌ترین ابزار موازنه‌ساز، نمی‌توان دست تجاوزگران را برای همیشه کوتاه کرد. تجربه تلخ دو یورش وحشیانه در فاصله‌ای کوتاه، پارادایم امنیتی ملت ایران را متحول ساخته است؛ وقتی دشمن خوی درندگی خود را تا مرز کشتار کودکان عیان می‌کند، مطالبه دستیابی به سلاح بازدارنده راهبردی، دیگر نه یک انتخاب، بلکه تنها راه حتمی برای بستن پرونده تجاوز و تحمیل اراده خود به نظام سلطه است. تجاوزات زنجیره‌ای رژیم سفاک صهیونیستی و حامی آمریکایی‌اش در طول یک سال گذشته، افق دید ملت و نخبگان را به نقطه‌ای کلیدی رساند: پایان دادن به چرخه شوم تعدی و تجاوز، تنها و تنها در سایه رسیدن به چترامنیتی بی‌بدیل سلاح اتمی و دستیابی به بازدارندگی تمام عیاری است که زبان زور را برای همیشه الکن سازد.

دیگر نباید از تصعید تنش بترسیم

نباید فراموش کنیم که ما در دو جنگ اخیر خود با آمریکایی ها و صهیونیست ها، همواره از تصعید تنش، هراس داشتیم و از یک جایی به بعد، سطح و حجم حملات خود را کنترل و مدیریت می کردیم؛ علت این امر آن بود که ما در قله بازدارندگی نیستیم اما دشمن ما در آن موضع ایستاده است. به زبان ساده‌تر، در کشاکش و گرماگرم نبردهای ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، در بسیاری از مقاطع، زور موشکی و نقطه‌زنی ما بر آمریکا و اسرائیل می چربید اما ما تحفظ می کردیم؛ یعنی عمدا نمی زدیم تا مبادا دشمن به سیم آخر بزند و روی سر ما بمب اتم بیندازد. حال اگر خودمان به بمب اتم دست یابیم، دیگر خبری از این تحفظ و ترس وجود نخواهد داشت و ما در بالاترین پله از نردبان تنش می ایستیم و به دشمن می فهمانیم که استراتژی ضربه آخر و راهبرد محو کننده کلیدش در دستان ماست. در کارزارهای اخیر، اگرچه گرز آتشین موشک‌های ما ستون‌های دشمن را به لرزه درآورد، اما سایه سنگین انحصار هسته‌ای آنها، دست ما را در نقطه عطف درگیری بست و وادارمان کرد پدال ترمز را فشار دهیم. ما از ترس گزینه نهایی حریف، سطح و اکنش خود را مدیریت کردیم؛ اما دستیابی به بمب اتم، این سقف شیشه ای مهار را ویران می کند تا دیگر هیچ قدرتی نتواند با چماق تهدید آخرالزمانی، موازنه میدان را به نفع خود مصادره کند.

بالاترین پله نردبان تنش

تا زمانی که بازدارندگی تمام عیار در انحصار متجاوز است، حتی برتری تاکتیکی و نقطه‌زنی ما در میدان رزم نیز زیر سایه باج‌خواهی هسته‌ای دشمن محدود می‌ماند؛ ما خویشتن‌داری کردیم تا مبادا اگرگ زخم‌خورده به سیم آخر بزند. اما اتم ایرانی، این معادله را واژگون می‌سازد؛ با استقرار در بالاترین پله نردبان تنش، کلید استراتژی ضربه آخر و اراده محوکننده برای همیشه به دست قدرت اول منطقه منتقل خواهد شد. معادلات میدان در تقابل‌های گذشته عیان ساخت که برتری موشکی‌مان به تنهایی برای مهار کامل دشمن کافی نیست، چرا که او در قله ارعاب اتمی نشسته بود و ما ناچار به مدیریت مصلحتی میدان بودیم. وقتی خود به بازدارندگی مطلق اتمی دست یابیم، دیگر جریانی به نام ترس از به سیم آخر زدن دشمن موضوعیت نخواهد داشت؛ آن روز، این اراده ماست که سقف و کف درگیری را تعیین می‌کند و حریف را در بن بست راهبردی ناگزیر قرار می‌دهد.

نقطه عطف تاریخ معاصر در غرب آسیا یا همان خاورمیانه، گذار ایران از بازدارندگی منعطف به بازدارندگی هسته‌ای خواهد بود؛ لحظه‌ای که معادلات قدرت با ورود عنصر اتمی به بازی، برای همیشه از حالت تعادل خارج شده و وزن جدیدی به اراده مقاومت خواهد بخشید. بلوغ استراتژیک ایران در آستانه یک چرخش بزرگ است؛ چرخشی که در آن، قدرت پاسخگویی ما از سطح تسلیحات کلاسیک به سطح بازدارندگی هسته‌ای ارتقا می‌یابد و این تنها راه برای خنثی‌سازی تهدیدات بنیادین دشمن خواهد بود.

افزایش قیمت انرژی تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو برای اروپا هزینه داشته است

پاسخ سخت تهران به محاسبات اروپایی

فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان روز جمعه هشت آبان در پایان سفر خود به کره جنوبی، با اشاره به گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال حملات مجدد آمریکا به ایران، از طرف‌های درگیر خواست برای پایان دادن به مناقشه از مسیر دیپلماسی تلاش کنند. وی گفت: فقط می‌توانم از همه طرف‌های درگیر درخواست کنم این مناقشه از راه نظامی قابل حل نیست. ما از مسیرهای مختلف در حال هماهنگی و تقویت تلاش‌های دیپلماتیک خود هستیم تا این مناقشه در سریع‌ترین زمان ممکن پایان یابد.

مرتس با اشاره به پیامدهای اقتصادی درگیری‌ها برای اروپا گفت: آلمان منافع اقتصادی مهمی در پایان هرچه سریع‌تر این مناقشه دارد و افزایش قیمت انرژی تاکنون بیش از صد میلیارد یورو برای اروپا هزینه داشته است.

اما سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان روز شنبه ۹ آبان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، در واکنش به سخنان مرتس نوشت: هنگامی که سال گذشته حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز شد، آقای مرتس از این حملات استقبال کرد و گفت که آنها دارند کار کثیف اروپا را انجام می دهند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ادامه داد: ۱۰۰ میلیارد یورو در مقایسه با ضربه‌ای سهمگین و ویرانگر که نیروهای مسلح قدرتمند ایران به کسانی که جرات تعرض به ملت ما را داشته باشند وارد خواهند کرد، هیچ است. دیگر خط قرمزی وجود نخواهد داشت.

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: همین دیروز، اروپا به به کثیف‌کاری‌های رژیم صهیونیستی افتخار می‌کرد، اما امروز از میلیاردها دلاری که جنگ با ایران برایش هزینه تراشیده، به فغان آمده است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: وقتی برای جنایات جنگی هورا می‌کشیدید، فکرش را هم نمی‌کردید که تبعاتش دامن شما را هم بگیرد؟ جنگ و ترور تاوان دارد؛ حالا نوبت شماست که تاوان پس بدهید.

به اقتصادی قدرتمندتر نیاز داریم.

مدیر این اندیشکده اقتصادی همچنین هشدار داد که برنامه‌های دولت برای تقویت اقتصاد و کاهش بدهی‌ها با چالش‌های جدی روبه‌روست و بودجه ارائه‌شده از سوی جان هیلی، وزیر دارایی انگلیس، پاسخ روشنی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی ارائه نمی‌کند.

براساس تازه‌ترین پیش‌بینی سازمان ناظر بر عملکرد بودجه انگلیس (اوبی‌آر)، متوسط رشد سالانه درآمد واقعی قابل تصرف سرانه خانوارها در دهه ۲۰۲۰ تنها حدود یک دهم درصد خواهد بود که ضعیف‌ترین عملکرد از زمان آغاز ثبت آمارهای مربوط در دهه ۱۹۵۰ به شمار می‌رود.

قبض جنگ علیه ایران سنگین‌تر شد

اما همزمان با افزایش سه برابری قیمت گاز اروپا در پی پیامدهای جنگ علیه ایران، کمیسیون اروپا درباره تشدید بحران انرژی و زمستانی دشوار برای شهروندان و اقتصاد این قاره هشدار داد.

دان یورگنسن، کمیسر انرژی اتحادیه اروپا، روز چهارشنبه ۶ آبان ۱۴۰۵ با اشاره به افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی اعلام کرد که اروپا بار دیگر با بحران انرژی روبه‌رو شده و هزینه سوخت برای خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی به‌شدت افزایش یافته است. وی با اشاره به پیامدهای تحولات ژئوپلتیک بر بازار انرژی اظهار کرد: اروپا بار دیگر با بحران انرژی مواجه شده است. می‌دانیم که زمستان دشواری برای شهروندان اروپایی و اقتصاد ما در پیش خواهد بود.

بر اساس گزارش‌ها، قیمت گاز در بازار اروپا روز چهارشنبه برای نخستین بار از دسامبر ۲۰۲۲ از مرز ۱۰۰ یورو به ازای هر مگاوات‌ساعت عبور کرد و به بالاترین سطح در نزدیک به چهار سال گذشته رسید. قیمت قرارداد ماه آینده گاز در بازار هلند که شاخص اصلی تعیین بهای گاز در اروپا به شمار می‌رود نیز با افزایش حدود چهار درصدی نسبت به روز قبل به مرز ۱۰۰ یورو رسید. این در حالی است که قیمت همین شاخص پیش از آغاز جنگ علیه ایران در اواخر فوریه حدود ۳۲ یورو بود و اکنون بیش از سه برابر شده است.

بر اساس تازه‌ترین گزارش آژانس همکاری تنظیم‌گران انرژی اتحادیه اروپا، پیامدهای جنگ علیه ایران تاکنون بین ۱۸ تا ۳۳ میلیارد یورو هزینه اضافی برای واردات گاز به کشورهای عضو این اتحادیه تحمیل کرده است. این نهاد اروپایی اعلام کرد که افزایش قیمت گاز، بدون آنکه حجم واردات افزایش یافته باشد، هزینه تامین انرژی را بالا برده و فشار مالی ناشی از آن به خانوارها، صنایع و بازار برق منتقل شده است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که ذخایر گاز اتحادیه اروپا تا ۲۱ اکتبر تنها به ۷۵ درصد ظرفیت رسیده است که از میانگین سال‌های گذشته پایین‌تر است. کندی روند ذخیره‌سازی در ماه‌های گرم سال، همراه با افزایش بهای واردات، نگرانی‌ها درباره توان اروپا برای تامین نیازهای زمستانی را تشدید کرده است.

اروپا متاثر از جاه‌طلبی ترامپ

یکی دیگر از پیامدهای جنگ، تغییر مسیر تامین انرژی اروپا و افزایش وابستگی این قاره به واردات از آمریکاست. آژانس همکاری تنظیم‌گران انرژی اتحادیه اروپا اعلام کرد که در تابستان امسال، به دنبال اختلال در صادرات گاز طبیعی مایع قطر از مسیر تنگه هرمز، عملا محموله قابل توجهی از این کشور به بازار اروپا نرسیده است. در همین حال رقابت کشورهای اروپایی با خریداران آسیایی برای دستیابی به محموله‌های گاز افزایش یافته و این وضعیت فشار بیشتری بر قیمت‌ها وارد کرده است.

کمیسیون اروپا روز چهارشنبه نشستی با حضور نمایندگان صنعت پالایش نفت، شرکت‌های تولیدکننده سوخت و مسئولان ناتو در بروکسل برگزار کرد تا راهکارهای افزایش تولید داخلی و کاهش آسیب‌پذیری زنجیره تامین انرژی را بررسی کند. یورگنسن، کمیسر انرژی اتحادیه اروپا، پس از این نشست با اشاره به تعطیلی حدود یک‌چهارم پالایشگاه‌های اتحادیه اروپا طی دو دهه گذشته اعلام کرد که این روند ظرفیت پالایش داخلی را حدود ۱۰ درصد کاهش داده است. وی تاکید کرد که بحران کنونی ضرورت حفظ و تقویت توان تولید سوخت در اروپا را آشکار کرده است.

کمیسر انرژی اتحادیه اروپا همچنین هشدار داد که بر اساس ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی، محدودیت عرضه در بازار جهانی گازوئیل احتمالا تا سال ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت و قیمت‌ها را بالا نگه خواهد داشت. وی افزود که بروکسل با همکاری شرکت‌های پالایشی درصدد تدوین برنامه‌ای مشترک برای افزایش ظرفیت تولید و کاهش هزینه سوخت است. به گفته این مقام اروپایی، کاهش قیمت انرژی برای کاستن از فشار بر شهروندان و شرکت‌های اقتصادی به یکی از اولویت‌های کمیسیون تبدیل شده است.

این در حالی است که تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، با ایجاد اختلال در جریان انتقال انرژی از منطقه غرب آسیا و افزایش ابهام در بازارهای جهانی، هزینه‌های اقتصادی سنگینی را به کشورهای واردکننده نفت و گاز تحمیل کرده است. ایران بارها تاکید کرده که ناامنی در تنگه هرمز و آب‌های پیرامونی آن از پیامدهای تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران است و بازگشت ثبات به مسیرهای کشتیرانی و انتقال انرژی، مستلزم پایان ماجراجویی نظامی و حرکت به سمت راهکارهای سیاسی و همکاری‌های منطقه‌ای است.

رئیس قوه قضاییه تاکید کرد:
وطن‌فروشان نقره‌داغ می‌شوند

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، طی نشستی با محوریت آسیب شناسی برخی روندها و رویه های قضایی، با حضور جمعی از مسئولان قوه قضاییه، در سخنانی، به اهمیت مقوله تضمین دادرسی عادلانه پرداخت و اظهار کرد: جهد و تلاش ما در فقره آسیب شناسی و مسئله‌محوری درباب نارسایی‌های موجود در امر قضا، باید نتایج ملموس و محسوس و اصطلاحا مابه‌ازای بیرونی داشته باشد. این آسیب شناسی‌ها و مسئله محوری‌ها باید خود را در فرآیند رسیدگی‌های قضایی و افزایش اعتماد عمومی به عدالت قضایی نشان دهد.

رئیس دستگاه قضا در ادامه این نشست، توصیه‌ها و دستوراتی تخصصی را خطاب به مقامات ذی‌صلاح قضایی در راستای رفع آسیب‌ها و نواقص حوزه‌های قضایی متبوع آنان، مطرح کرد.

رئیس عدلیه در اثنای نشست مذکور، به مقوله جعل و غصب عناوین نیز اشاره‌ای داشت و در همین راستا عنوان کرد: پرونده‌های مرتبط با ادعای اعمال نفوذ در قوه قضاییه و جعل عنوان مقامات قضایی، با قاطعیت و وفق قانون، مورد بررسی و تعیین تکلیف قرار می‌گیرند؛ باید توجه داشت که جاعل عناوین مقامات و فرد مدعی نفوذ در قوه قضاییه، فقط به دستگاه قضا لطمه نمی‌زند؛ بلکه به اعتماد مردم نسبت به نظام لطمه می‌زند.

قاضی‌القضات با تاکید بر صیانت از سلامت و پویایی ساختار عدلیه تصریح کرد: هیچ‌گونه تسامح و اغماضی در برابر سودجویان و قانون‌گریزانی که با توسل به فریب و جعل، درصدد مخدوش کردن وجهه دستگاه قضایی برمی‌آیند، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست؛ پاسداری از حریم قضاوت و حراست از سرمایه بی‌بدیل اعتماد عمومی، خط قرمز عدلیه است و با مخلان امنیت روانی و حقوقی جامعه، قاطعانه و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای برخورد خواهد شد. شایان ذکر است، محسنی اژه‌ای در خلال نشست مذکور به پرونده‌های جواسیس و عناصر همراه و همکار با دشمن متجاوز نیز گریزی زد و اظهار داشت: پرونده‌های عناصری که علیه کشور و نظام اقدام کرده و علنا وطن‌فروشی کرده‌اند و به دشمن متجاوز گرا داده‌اند، باید با سرعت هر چه بیشتر، البته وفق قانون و در نهایت دقت و عدالت، تعیین تکلیف شود.

رئیس قوه قضاییه با اشاره به تعیین تکلیف و اجرای احکام بخشی از پرونده‌های عناصر همراه با دشمن متجاوز و مزدوران خودفروخته‌ای که با خیانت آشکار به کیان این مرز و بوم، دست در دست بیگانه نهاده و امنیت ملی را هدف گرفتند، تاکید کرد: برخورد با این جماعت وطن‌فروش و عناصر وابسته به دشمن، باید با قاطعیت تام، سرعت عمل بازدارنده و در عین حال رعایت دقیق موازین قانونی و عادلانه صورت گیرد تا هیچ‌گونه روزنه‌ای برای جولان مفسدان امنیتی باقی نماند.

آخرین وضعیت پرونده ایران در FATF

به دنبال انتشار بیانیه عمومی اجلاس آبان FATF، مرکز اطلاعات مالی با صدور اطلاعیه‌ای ضمن تشریح ابعاد پرونده ۲۰ ساله کشور، از حصول اجماع و تایید پیشرفت اقدامات ایران در ۱۰ بند از برنامه اقدام خبر داد؛ موفقیتی که در سایه مستندات و دفاعیات فنی هیات ایرانی در نشست رم و به‌رغم حضور و کارشکنی آمریکا و رژیم صهیونیستی حاصل شده است.

در این اطلاعیه آمده است: پرونده جمهوری اسلامی ایران با FATF در خصوص عادی سازی تعاملات پولی و مالی اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی با نظام‌های پولی و مالی بین‌المللی بیش از ۲۰ سال سابقه تاریخی دارد و در طول ۱۰ سال گذشته «برنامه اقدام» به‌عنوان توافقی بین ایران و این نهاد برای خروج از لیست کشورهای پرخطر، به دلیل تاخیر در برخی تصمیم گیری‌های داخلی به سرانجام کامل نرسیده است. با وجود عدم انجام کامل و مورد انتظار تکالیف مقرر توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، در طول سه سال گذشته تلاش شد با اصلاح و تکمیل زیرساخت‌های قانونی و اجرایی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم کشور، از جمله تصویب مقررات مبارزه با تامین مالی تروریسم و به‌تبع آن ارائه مستندات فنی و حقوقی به اعضای FATF، عزم کشور در مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم اثبات شود. در این راستا و در قالب سه گزارش اخیر ایران به این نهاد و به‌خصوص در جلسه اول مهرسال ۱۴۰۵ دبیرخانه FATF در شهر رم و در شرایط جنگ تحمیلی و با حضور نمایندگان آمریکا و رژیم صهیونیستی، صرفا به دلیل مستندات و دفاعیات فنی هیات ایرانی، پیشرفت اقدامات کشور در ۱۰ بند از بندهای برنامه اقدام مورد اجماع اعضای FATF قرار گرفت به‌نحوی که برای اولین بار پیشرفت اقدامات ایران به‌ویژه در حوزه انطباق فنی با استانداردهای FATF در متن بیانیه عمومی اجلاس مورخ هشت آبان ۱۴۰۵ آن نهاد مورد اشاره و تایید قرار گرفته است.

این مهم موید این واقعیت است که برخلاف القای برخی مخالفان عادی‌سازی پرونده کشور با FATF مبنی بر عدم تحقق اجماع اعضا به نفع ایران با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی، تصمیم‌گیری‌های به‌موقع داخلی و تکمیل مستندات فنی و حقوقی می تواند منافع کشور را با رویکردی مقتدرانه محقق کند. اجماع اخیر اعضای FATF به نفع ایران در ۱۰ بند مورد اشاره، نشان داد که ضرورت دارد مدیریت جبهه جنگ اقتصادی علیه ملت ایران با نگاه متفاوت‌تری مدیریت شود.

گروه ویژه اقدام مالی در بیانیه عمومی اجلاس اخیر، علاوه بر اذعان به از سرگیری تعامل و تلاش‌های ایران برای رفع نواقص نظام مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم و پیشرفت اقدامات ایران در برنامه اقدام، به برخی نواقص بنیادین در نظام حقوقی و اجرایی کشور اشاره و تکمیل برنامه اقدام با وجود گذشت هشت سال از تاریخ انقضا را مطالبه و بر تداوم حفظ ایران در لیست کشورهای پرخطر با اقدامات تقابلی تا زمان اتخاذ تصمیمات کلیدی داخلی به‌ویژه اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم و حذف برخی شروط اعمالی ایران بر کنوانسیون‌های پالرمو و CFT تاکید کرده است. لازم به ذکر است از بین ۱۰ شرط اعمالی ایران بر دو کنوانسیون پالرمو و CFT با وجود دفاعیات فنی و حقوقی هیات ایرانی، FATF پنج شرط را مانع در اجرای استانداردهای بین‌المللی تشخیص داده است.

حسینعلی جعفری، نویسنده و مدرس دانشگاه:
ادبیات، حقیقت فلسطین را در حافظه تاریخ ماندگار می‌کند

یک‌شنبه/ ۱۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۷۸

مقاومت زنانه
۱۳

نذر مادران در عصر انتظار
شبیه ام‌البنین، پای عهد سخت

در شب نذر فرزندان در سردر دانشگاه تهران، مادران با چشمانی بارانی اما اراده‌ای پولادین، عزیزترین پاره‌های تن‌شان را سپر خیمه امام زمان خود کردند؛ روایتی از مادران داغداری که برای انتقام خون رهبر شهیدشان، راه ام‌البنین (س) را در پیش گرفته‌اند و کودکان‌شان را نه برای تماشا، که برای روز واقعه، بزرگ می‌کنند.

«هدی! شیشه عباس رو از توی کوله به من می‌دی مامان؟» سرم را که برگرداندم، دیدمش. پشت سرمن ایستاده بود. به نظر ۳۵ تا ۳۶ ساله می‌آمد. دخترکش هم بیشتر از پنج سال نداشت. پسرکوچولوی بامزه توی بغلش تازه از خواب بیدار شده بود؛ با یک چفیه کوچک بسته شده دور سرش.

از مادرش پرسیدم: «اسمش چیه؟» خندید و گفت: «عباس».

از وقتی محمدحیدر و محمدحسین دنیا آمده‌اند، توجهم به بچه‌ها جور دیگری شده... من عشق به فرزند را از وقتی مادربزرگ شدم بیشتر لمس کردم. هیچ‌وقت تحمل روضه حضرت علی‌اصغر(ع) را نداشتم؛ از وقتی این دو تا نقل و نبات چشم‌شان به دنیا باز شد، این روضه برایم سخت‌تر هم شد.

آن شب هر طرف سرم را برگرداندم مادری را دیدم با کودکی در آغوش. بچه‌ها دوروبر مادرشان می‌پلکیدند. سربندهای سرخ یا لثارات الحسین (ع) و یا زهرا (س) روی پیشانی‌های‌شان زیر نور پروژکتورهای بزرگ سردر دانشگاه تهران برق می‌زد. مجری بالای سن اعلام کرده بود: امشب مادرها می‌خواهند فرزندشان را نذر کنند! نذر چه؟ نذر خونخواهی امام شهیدمان و سربازی امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای!

چشمم هنوز لابه‌لای جمعیت دنبال بچه‌ها بود، که صدای مجری نگاهم را برد سمت صورت مادر عباس. خواستم وقت شنیدن جمله: «می‌خواهیم فرزندان‌مان را در راه خونخواهی نذر کنیم.» چهره‌اش را ببینم. خانم عبدالحمیدی مهمان مادرها بود. از فرزند جانبازش که حرف می‌زد، مادر عباس، کودکش را محکم‌تر بغل می‌کرد.

خانم عبدالحمیدی خودش هم فرزند شهید بود. یک فرزند جانباز هم داشت. اما می‌گفت داغ شهادت آقا برایش از شهادت پدرش هم سنگین‌تر بود! حرف انتقام را که پیش کشید، دست‌هایش را مشت کرد. صدایش قاطع بود. لرزش صدایش از ترس نبود... از خشم بود! می‌خواست فرزند جانبازش را نذر کند: من! فرزند شهید! و مادر جانباز! فرزند جانبازم را و فرزندان دیگرم را، فدایی فرزند تو، سیدمجتبی خامنه‌ای می‌دهم!

محبت مادری در عالم نمونه ندارد! اما فاطمه کلابیه، پسرانش را برای روز واقعه در آغوش حسین (ع) نشاند. سفارش کرد حواستان باشد شما باید مراقب فرزند زهرا (س) باشید و سال‌ها بعد، بعد از روز واقعه، خبر شهادت عباس (ع) را که آوردند پرسید: «از حسین (ع) چه خبر؟» ام‌البنین (س) برای عباسش گریه نکرد. اما برای امامش حسین (ع) بسیار گریه کرد.

اگر خانم عبدالحمیدی، یا آن مادر شهید که رجزخوانی‌اش شهره عام و خاص است، گلشان از گل ام‌البنین (س) نیست، پس از چه کسی رگ و ریشه گرفته‌اند؟ مادر عباس شانه‌هایش لرزید. حتما اوزنی نبوده که تنها اشک بریزد و در پستوی خانه‌اش مرثیه بخواند. این داغ سنگین‌تر از گریه کردن است. داغ امامی که تنهایی‌اش وسط گرگ‌های دنیا، رگ غیرت این مادرها را به جوش آورده!

داغی که ۲۴۰ شب است از خانه بیرون‌شان کشیده تا بگویند برای خونخواهی امامشان، رهبر شهیدشان، خودشان و فرزندشان را هم فدا می‌کنند. گریه مادر عباس شدیدتر شده بود. عباس را از بغلش گرفتم. دست کشیدم پشت مادرو پرسیدم: «می‌خواهی عباس رو نذر کنی؟» مادر عباس گوشه روسری‌اش را دستمال کرد و اشکش را پاک کرد: «پای عهد و پیمان ایستادن فقط به شعار دادن نیست. بها می‌خواد. بهای گرون. یه مادر چی داره با ارزش‌تر از بچه‌ش؟ چه عاقبت به خیری‌ای برای بچه‌ام بیشتر از اینکه زندگیش تو مسیر خونخواهی رهبرش باشه و در راه امامش فدا بشه؟»

امشب مادر عباس و همه مادرها باید انتخاب می‌کردند. یا باید بچه‌ها را به دست تقدیر روزگار می‌سپردند یا برایشان تقدیری می‌ساختند!

مادر عباس طفلش را گذاشت روی پایش. به من نگاه کرد و گفت: «من بچه‌هام رو برای تماشا به دنیا نیاوردم. اونا رو با نذر و نیاز از خدا خواستم تا اگه یه روز تیری سمت این خیمه اومد سینه‌شون رو سپر کنن. من امشب بچه‌هام رو نذر انتقامی می‌کنم که زمین رو از وجود قاتلین امام‌مون پاک کنه. جان فرزندم از جان امامم عزیزتر که نیست! هشت ماهه کاری مهم‌تر از این ندارم که هر روز بچه‌هام رو برای انتقام خون آقا آماده کنم.»

صدای مادر عباس، ادامه صدای «فیروز» بود. همان زن مسن لبنانی که دو سال پیش توی سوریه، وقتی صحبت از فرزندآوری شد با صدای محکمش گفت: «ما اصلا بچه به دنیا میاریم و بزرگ می‌کنیم تا با اسرائیل بجنگه.» مادرهای جمع شده در سردر هم آن شب تمام محبت مادریشان را توی پستوی دلشان بقچه کردند! نذر کردند که بچه‌هایشان را در مسیر انتقام خون امام شهید بزرگ کنند. حتی تا پای جان فرزندان‌شان و این تمام چیزی بود که مادرها داشتند. درست شبیه ام‌البنین (س)!

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان (۲)
نیمکت‌های هم‌سرنوشت

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: در جغرافیای سیاسی لبنان که خطوط گسست طایفه‌ای تعیین‌کننده مناسبات قدرت و آموزش است، شبکه‌ای از مدارس مدرن سال‌هاست معادله رایج میان «هویت ایدئولوژیک» و «استاندارد علمی روزآمد» را دگرگون کرده است. مدارس «المصطفی» و «المهدی»، بازوهای آموزشی هم‌پیمان و وابسته به حزب‌الله، با عبور از تلقی سنتی مکتب‌خانه‌ای، استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای در آموزش سه‌زبانه، علوم پایه و آزمون سراسری دیپلم (بکالویا) مستقر کرده‌اند. کیفیت شاخص آموزشی و انضباط اخلاقی حاکم بر این زنجیره، پدیده‌ای عینی در جامعه چندپاره لبنان رقم زده است: ثبت‌نام مستمر دانش‌آموزانی از خانواده‌های اهل سنت، دروزی و مسیحی در محیطی که نمادهای مقاومت بخشی از هویت رسمی آن است. این گزارش فرآیند تبدیل یک تشکیلات مقاومتی به یکی از معتبرترین قطب‌های آموزش نخبگانی در جهان عرب را بررسی می‌کند.

برای فهم ساختار آموزشی مقاومت در لبنان، باید مرزهای سازمانی دو نام آشنا را تفکیک کرد: «مدارس المهدی» و «مدارس المصطفی»؛ این دو نهاد اگرچه در هدف‌گذاری تربیتی و پایگاه اجتماعی هم‌پوشانی دارند، اما از نظر خاستگاه تاریخی و جایگاه حقوقی در دو مدار تعریف می‌شوند.

مدارس المهدی، زیر نظر مستقیم «الموسسه الاسلامیه للتربیه و التعلیم» (نهاد رسمی آموزش و پرورش حزب‌الله) فعالیت می‌کنند. این موسسه در سال ۱۹۹۳ به‌منظور تربیت پایه‌ای نسل جدید، پوشش فرزندان رزمندگان و خانواده‌های شهدا و ارائه مدل آموزشی منطبق برفقه مقاومت پایه‌گذاری شد. پرچم، نمادها و محتوای پرورشی در شعب المهدی، مستقیم، شفاف و بی‌پرده به گفتمان مقاومت متصل است. در سوی دیگر، مدارس المصطفی قرار دارند که وابسته به «جمعیه التعلیم الدینی الاسلامی» هستند.

این جمعیت پیشینه‌ای قدیمی‌تر دارد و ریشه آن به سال ۱۹۷۴ (پیش از تاسیس حزب‌الله) بازمی‌گردد. با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جبهه مقاومت، هسته فکری و مدیریتی جمعیت با خط رهبری امام خمینی (ره) و ساختار حزب‌الله پیوند خورد، به‌گونه‌ای که چهره‌های ارشد مقاومت از جمله شیخ نعیم قاسم سال‌ها در تدوین متون تعلیم دینی و سیاست‌گذاری‌های کلان آن نقش‌آفرینی کردند. مدارس المصطفی در نظام اداری خود رویکردی نهادی، متمرکز بر استانداردهای آکادمیک‌تر از اول و تا حدودی غیر علنی‌تر از شعبه‌های المهدی اتخاذ کردند؛ امری که راه را برای جذب طیف‌های وسیع‌تری از طبقه متوسط شهری در بیروت، بقاع و جنوب بازکرد.

نبرد بر سر رتبه‌های بکالویا

بزرگ‌ترین خطای تحلیلی درباره نهادهای مقاومت، تقلیل آنها به ابزارهای سخت‌افزاری و لجستیک نظامی است. مدارس المهدی و المصطفی بر پایه این ادراک پایه‌گذاری شدند که نبرد هویت بدون پیشتازی علمی به بن‌بست می‌رسد. به همین جهت، این مدارس سیستم آموزشی خود را دقیقا منطبق بر چارچوب سخت‌گیرانه وزارت آموزش ملی لبنان و نظام بین‌المللی طراحی کردند.

آزمون سراسری نهایی یا «بکالویا» در لبنان به دشواری و استاندارد گزینشی سخت در جهان عرب مشهور است؛ آزمونی که سرنوشت ورود به رشته‌های کلیدی در دانشگاه‌های تراز اول مانند دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) یا دانشگاه سن ژوزف (USJ) را معین می‌کند. داده‌های رسمی کارنامه‌های بکالویا در سال‌های گذشته نشان می‌دهد دانش‌آموزان هردو مجموعه المصطفی و المهدی به‌طور منظم در زمره رتبه‌های ممتاز کشوری قرار دارند. برنامه درسی در این مراکز بر دوزبانه و سه‌زبانه استوار است. زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نه‌تنها به عنوان ماده درسی اختیاری، بلکه در قالب زبان تدریس علوم پایه، زیست‌شناسی و شیمی به کار گرفته می‌شوند. تجهیزگسترده به آزمایشگاه‌های مجهز، کارگاه‌های رباتیک و فناوری اطلاعات، شکاف میان مدارس مذهبی و مدارس لائیک خصوصی و گران‌قیمت را پر کرده است. این بازدهی عینی، اولین متغیری است که اعتبار این موسسات را از یک برند حزبی به یک معیار آموزشی ملی ارتقا می‌دهد.

انگیزه خانواده‌های غیرشیعه

در کشوری با ۱۸ طایفه رسمی، تمایل خانواده‌های غیر شیعه (شامل مسیحیان مارونی و ارتدوکس، اهل سنت و دروزی) به ثبت‌نام فرزندان‌شان در مدارسی که تعلق آنها به جبهه مقاومت بر کسی پوشیده نیست، یک واقعیت اجتماعی مستند است. این گرایش را می‌توان در سه عامل ساختاری تحلیل کرد:

نخست، هزینه تمام‌شده در برابر کیفیت بالا. سیستم آموزشی لبنان به‌شدت طبقاتی است. مدارس خصوصی نخبگانی (غالبا وابسته به هیات‌های تبشیری مسیحی یا موسسات فرانسوی و آمریکایی) شهریه‌هایی گزاف و ارزی مطالبه می‌کنند که از عهده بخش عمده‌ای از طبقه متوسط خارج است. مدارس المهدی و المصطفی همان کیفیت و نظم درسی را با شهریه‌هایی به‌مراتب معقول‌تر، سازمان‌یافته‌تر و متناسب با شرایط بحران‌زده اقتصادی لبنان عرضه می‌کنند.

دوم، امنیت اخلاقی و دیسیپلین رفتاری. با تشدید بحران‌های اجتماعی، رواج آسیب‌های نوظهور و فروپاشی انضباط عمومی در برخی فضاهای آموزشی آزاد، خانواده‌های مذهبی و سنتی سایر ادیان به دنبال بستری مطمئن برای حفاظت از فرزندان خود هستند. اصطلاح «البیئه الحامیه» (محیط محافظت‌کننده) دقیقا بازتاب‌دهنده این مطالبه است. نظارت سخت‌گیرانه بر رفتارهای پرخطر، ممنوعیت مطلق دخانیات، فرهنگ حیا و حفظ کرامت انسانی، این مدارس را برای والدینی که دغدغه تربیت اخلاقی دارند، به یک انتخاب عقلانی تبدیل کرده است.

سوم، تکثر مذهبی بدون الزام به تغییر عقیده. سیاست رسمی تدوین‌شده در مدارس المصطفی و المهدی بر پایه احترام به آیین پیروان سایر ادیان استوار است. دانش‌آموزان غیر شیعه یا غیر مسلمان نه وادار به خواندن نماز می‌شوند و نه در معرض آموزش‌های مذهبی مغایر با هویت خانوادگی خود قرار می‌گیرند. دروسی مانند اخلاق عمومی، تاریخ و مهارت‌های زندگی، بستری از نقاط اشتراک انسانی و اخلاقی را فراهم می‌آورد؛ رویکردی که عملا ترس از تحمیل عقیده را در ذهن خانواده‌ها زدوده است.

بازتولید ساختار نخبگانی

پیامد این مهندسی آموزشی فراتر از موفقیت‌های اداری و آماری است. زنجیره مدارس المصطفی و المهدی عملا خط تولید و تغذیه پایدار سرمایه انسانی مقاومت را تشکیل می‌دهند. این مدارس نسلی را تربیت کرده‌اند که تسلط بر فناوری، حقوق، پزشکی و زبان‌های زنده دنیا را در کنار پایبندی فکری به آرمان آزادی میهن آموخته است.

نیروهای متخصصی که امروز در مراکز تحقیقاتی، شبکه‌های مخابراتی، سامانه‌های رسانه‌ای، پروژه‌های مهندسی و بیمارستان‌های تخصصی مقاومت خدمت می‌کنند، غالبا محصول همین ساختار آموزشی منسجم هستند. این پیوند میان دانش مدرن و تعهد بومی، الگوی تاریخی محرومیت شیعیان و پایگاه‌های اجتماعی مقاومت را که در دهه‌های پیشین به مشاغل فرودست محدود می‌شد، برای همیشه باطل کرد.

پیروزی در حوزه مدنی

حزب‌الله و جریان مقاومت در لبنان، قدرت خود را تنها از طریق بازدارندگی میدانی و سنگرهای دفاعی تثبیت نکرده‌اند. پایداری واقعی در ایجاد نهادهای پایداری است که توانایی اداره جامعه، ارتقای استاندارد زندگی و رقابت علمی را به نمایش بگذارند. مدارس المصطفی و المهدی نشان می‌دهند که یک جنبش ایدئولوژیک می‌تواند مدارسی بسازد که در آن ریاضیات پیشرفته و زبان‌های جهانی با انضباطی عمیق تدریس شود، به‌گونه‌ای که جامعه متکثر، متکبر و پرتنش لبنان، چاره‌ای جز به رسمیت شناختن برتری کیفی آن نداشته باشد. این مدارنامرئی قدرت، فراتر از خطوط درگیری نظامی، در کلاس‌های درسی تثبیت می‌شود که هر سال ده‌ها نخبه علمی را به جامعه لبنان معرفی می‌کنند.

درکارگاه انتقال تجربه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت مطرح شد
سینمای دفاع مقدس می‌توانست ژانر ملی ما باشد

همزمان با برگزاری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، سه کارگاه انتقال تجربه با حضور مسعود فراستی، علیرضا زرین‌دست و کمال تبریزی در روز اول این رویداد در پردیس سینمایی ملت برگزار شد؛ نشست‌هایی که هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به آسیب‌شناسی سینمای ایران و ظرفیت‌های سینمای مقاومت پرداختند.

مسعود فراستی، منتقد سینما، در کارگاه «نقد فیلم مقاومت؛ از تجربه تا آسیب‌شناسی» با تاکید بر اینکه مقاومت و نقد دو بال حرکت هستند، معتقد است سینمای دفاع مقدس ظرفیت تبدیل شدن به یک ژانر ملی را داشته است؛ ظرفیتی که به دلایل مختلف به درستی از آن استفاده نشده است. او با بیان اینکه مقاومت را نباید صرفا به جنگ محدود کرد، نقد را ضرورتی برای پویایی سینما دانست و تاکید کرد که بدون نقد جدی نمی‌توان انتظار رشد و اصلاح داشت.

فراستی همچنین با اشاره به وضعیت سینمای کمدی، هر نوع لودگی را کمدی ندانست و گفت: کمدی نیز مانند دیگر گونه‌های سینمایی به فرم، تکنیک و شناخت دقیق سینما نیاز دارد. از نگاه او، محتوا و فرم از یکدیگر جدا نیستند و محتوا در قالب فرم سینمایی معنا پیدا می‌کند. این منتقد سینما در ادامه بر ضرورت مطالعه ادبیات کلاسیک، تاریخ سینما و شناخت تکنیک‌های فیلم‌سازی تاکید کرد و نقد پذیری را نه صرفا یک مهارت حرفه‌ای، بلکه ضرورتی در شیوه زندگی هنرمندان دانست.

فیلم خوب ساختن، همچنان دشوار است

علیرضا زرین‌دست، فیلم‌بردار پیشکسوت سینمای ایران، در کارگاه انتقال تجربه خود به اهمیت فیلمنامه، شناخت تصویر، مطالعه و خلاقیت در سینما پرداخت و معتقد بود دسترسی آسان به ابزارهای فیلم‌سازی لزوما به معنای تولید آثار باکیفیت نیست. او با تفکیک میان فیلم‌سازی و ساختن فیلم خوب، فیلمنامه را نقطه آغازیک اثر موفق دانست و تاکید کرد: نویسنده باید علاوه بر شناخت ادبیات ایران و جهان، امکانات واقعی تولید در سینمای ایران را نیز بشناسد. زرین‌دست همچنین به تقلید و کپی‌برداری از آثار موفق به عنوان یکی از آسیب‌های سینمای ایران اشاره کرد و از فیلم‌سازان جوان خواست به جای ساخت نسخه‌ای از آثار دیگران، به ایده و جهان شخصی خود اعتماد کنند.

این فیلم‌بردار پیشکسوت با اشاره به اهمیت انتخاب لوکیشن و نورپردازی، تصویر سینمایی را دارای ظرفیت انتقال مفاهیم روان‌شناختی دانست و توضیح داد که قاب‌بندی، نور، رنگ و فاصله دوربین از سوژه می‌تواند بدون نیاز به دیالوگ، وضعیت درونی شخصیت را به مخاطب منتقل کند.

او همچنین مطالعه نقاشی، ادبیات و تاریخ تصویر را برای فیلم‌برداران ضروری دانست و تاکید کرد مدیر فیلم‌برداری باید برای شرایط پیش‌بینی نشده تولید، راه‌حل‌های مختلفی در اختیار داشته باشد.

زرین‌دست در بخش دیگری از این نشست درباره هوش مصنوعی هشدار داد که استفاده بی‌محابا از فناوری‌های جدید نباید به تضعیف خلاقیت و قدرت تصمیم‌گیری انسان منجر شود. به اعتقاد او، ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی می‌توانند امکانات تولید را گسترش دهند، اما آنچه یک تصویر را به سینما تبدیل می‌کند، شناخت، انتخاب و خلاقیت هنرمند است.

سینمای مقاومت با تکرار شعارها به نتیجه نمی‌رسد

کمال تبریزی، کارگردان سینما، نیز در کارگاه انتقال تجربه خود با اشاره به تجربه ساخت آثار سینمایی و تلویزیونی، بر ضرورت شکل‌گیری جهان شخصی فیلم‌ساز و فاصله گرفتن از کلیشه‌ها در سینمای مقاومت تاکید کرد.

کارگردان «لیلی با من است» با اشاره به تجربه مجموعه «روایت فتح»، نگاه و جهان فکری شهید مرتضی آوینی را یکی از عوامل تبدیل این مجموعه به یک جریان متمایز در مستندسازی جنگ دانست. به اعتقاد او، تفاوت این آثار با بسیاری از مستندهای آن دوره در این بود که صرفا به ثبت سریع وقایع اکتفا نمی‌کردند، بلکه پیش از روایت، به تحلیل و شناخت انسان‌های حاضر در جنگ می‌پرداختند. تبریزی با بیان اینکه فیلم‌ساز نباید صرفا نسخه‌ای از آثار موفق دیگران را تولید کند، گفت: سینمای مولف زمانی شکل می‌گیرد که فیلم‌ساز زبان، قواعد ارتباطی و جهان مستقل خود را داشته باشد. او معتقد است این مسئله در سینمای مقاومت اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه تکرار شعارها و تصویرهای کلیشه‌ای می‌تواند هویت فردی فیلم‌ساز را از بین ببرد. او در توضیح این موضوع به تجربه ساخت فیلم «لیلی با من است» اشاره کرد و گفت: در شرایطی که تصویر غالب سینمای جنگ از رزمنده، فردی مشتاق حضور در جبهه بود، ایده اصلی این فیلم از طرح موقعیتی متفاوت شکل گرفت؛ اینکه اگر شخصیت اصلی اساسا از رفتن به جنگ بترسد، چه اتفاقی می‌افتد؟ این کارگردان همچنین تحقیق میدانی را یکی از ضرورت‌های ساخت آثار مرتبط با جنگ و مقاومت دانست و با اشاره به تجربه ساخت نخستین فیلم سینمایی خود، «عبور»، توضیح داد که برای شناخت فضای واقعی جبهه، حدود ۶ ماه با نیروهای تیپ الغدیر یزد زندگی و رفت‌وآمد داشته است.

تبریزی در بخش دیگری از سخنانش فیلم کوتاه را فرصت مناسبی برای فیلم‌سازان جوان دانست تا بدون انتظار برای تولید آثار بزرگ، جهان شخصی و توانایی‌های خود را به نمایش بگذارند. او همچنین تاکید کرد که آموزش سینما می‌تواند اطلاعات و ابزار لازم را در اختیار هنرجو قرار دهد، اما هنرمند شدن صرفا با حضور در کلاس و دانشگاه تضمین نمی‌شود. این کارگردان در پایان با انتقاد از نگاه‌های دستوری و مداخله‌های لحظه‌به‌لحظه در تولید آثار سینمایی، اعتماد به فیلم‌ساز و باور او به موضوع اثر را شرط مهم رسیدن به نتیجه مطلوب دانست.

تمدید مهلت ارسال آثار به چهاردهمین جشنواره مد و لباس فجر

مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار به چهاردهمین جشنواره مد و لباس فجر تا ۱۵ آبان تمدید شد.

محسن گرجی، دبیر چهاردهمین جشنواره مد و لباس فجر، با اعلام این خبر گفت: با وجود رشد حدود ۳۰۰ درصدی تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در مرحله نخست نسبت به دوره سیزدهم، در پی درخواست‌های متعدد مخاطبان و فعالان حوزه مد و لباس، مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار برای فراهم شدن فرصت بیشتر تمدید شده است. وی با اشاره به استقبال گسترده جامعه هنری و فعالان صنعت مد و لباس از این دوره جشنواره، از علاقه‌مندان خواست ثبت‌نام و ارسال آثار خود را به روزهای پایانی موکول نکنند. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و ارسال آثار می‌توانند به نشانی سامانه ثبت‌نام جشنواره مراجعه کنند.

چهاردهمین جشنواره مد و لباس فجر دی سال جاری به میزبانی اصفهان برگزار خواهد شد.

دلبرآسمانی
۱۱
رازی که در وصیت‌نامه شهید رستگار برملا شد

حسن موحدرستگار، ۱۱ اسفند ۱۳۶۴ در «فاو» به شهادت رسید. برادرش احسان (محسن) هم در همان روز و همان موقعیت با یک ساعت فاصله شهید شد.

اینکه دو برادر در یک روز و در ساعت نزدیک به هم شهید شدند، رازی بود که بعدها با خواندن وصیت‌نامه حسن فاش شد. او در آخرین ساعات عمر دنیایی‌اش متنی نوشته بود که در آن این راز را برملا کرد. در بخشی از این وصیت‌نامه که حقیقت مورد اشاره برملا می‌شود، آمده است:

«آخرین لحظات شب است. از مصاحبت با یک شهید برگشتم، تاکنون در زندگیم چنین حالتی به وجود نیامده بود و این‌طور شاد نشده بودم و احساس می‌کنم که آخرین پیامم را می‌نویسم. احساس می‌کنم ضیافت ائمه اطهار و اولیاءالله جهت استقبال از من آماده شده است. احساس می‌کنم شهدا را می‌بینم و لحظاتی دیگر در کنارشان جای می‌گیرم. خدایا، دوست دارم با شهدا باشم، پس من را از آنها جدا مگردان، محسن نیز این‌طور دوست دارد! خدایا در این دنیا هیچ نمی‌خواهم، فقط می‌خواهم من و محسن با هم به شهادت برسیم و در کنار هم به خاک سپرده شویم و حیات آن دنیا را با هم بگذرانیم. دوست دارم شهید شوم و می‌دانم که وقت زیادی به شهادت من و محسن نمانده! دوستان بیایید و به ما بپیوندید. ما به ملاقات خدایمان رفتیم. دنیا ارزش ندارد، دنیا فانی است!»

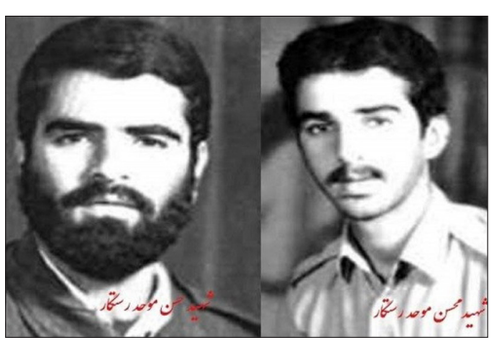

بابک رضایی، مدیرکل موسیقی وزارت فرهنگ:

اجازه نداریم کنسرت‌ها را قیمت‌گذاری کنیم

گفت‌وگوی «آگاه» با رئیس موزه هنرهای معاصر درباره نمایشگاه «جست‌وجوی ایران»

صد سال تصویر و تصور از ایران

عکس: امین جلالی

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: نمایشگاه «جست‌وجوی ایران» با ارائه بیش از ۱۰۰ اثر از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران، عصر روز گذشته، شنبه ۹ آبان، با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جعفر واحدی مدیرعامل موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر، بهرام کلهرنیا رئیس هیات مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، هنرمندان و هنردوستان و با کیوریتوری حسین گنجی و آرش تنهایی در این موزه گشایش یافت؛ نمایشگاهی که با حضور آثار هنرمندانی چون سهراب سپهری، پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی، بهمن محصص، فرح اصولی و هنرمندان دیگر، به سراغ یکی از پرسش‌های دیرپای هنر معاصر ایران رفته است: ایران چگونه در نگاه و آثار هنرمندان بازتاب پیدا کرده است؟ این نمایشگاه که زیرعنوان «در گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران» برگزار می‌شود، از امروز، دهم آبان، پذیرای عموم علاقه‌مندان خواهد بود و تا نیمه آذر ادامه دارد.

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین افتتاح این نمایشگاه، با اشاره به پیوند هویت تاریخی ایران و هنر، معنویت، عقلانیت و مدارا را سه مولفه مهم روح ایرانی دانست. او با بیان اینکه ملت‌هایی با پیشینه و تداوم تاریخی طولانی، به‌تدریج از هویتی متمایز برخوردار می‌شوند، تاکید کرد که این ویژگی‌ها در طول تاریخ ایران در قالب هنر تجلی یافته‌اند. صالحی با اشاره به اینکه عقلانیت ایرانی ماهیتی پیوسته و شبکه‌ای دارد و معنویت و مدارا نیز در فرهنگ ایرانی ریشه دارند، توضیح داد که هنر ایرانی تنها به آثار اشرافی، دولتی یا حکومتی محدود نمانده، بلکه در ابعاد مختلف زندگی مردم جریان یافته است. او همچنین روح ایرانی را جست‌وجوگرو گفت‌وگومحور توصیف کرد که در تعامل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر شکل گرفته و پرورش یافته است.

هفت مسیر برای تماشای ایران

«جست‌وجوی ایران» به جای ارائه روایتی تاریخی و خطی از هنر معاصر، در هفت بخش سامان یافته که هرکدام پرسشی مستقل را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند. در این شیوه، ارتباط مفهومی و بصری آثار اهمیت بیشتری از توالی زمانی خلق آنها دارد. برگزارکنندگان تلاش کرده‌اند نشان دهند که تجربه ایران لزوما در نمایش نقشه، پرچم یا نشانه‌های آشنای ملی خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌تواند در ماده، فرم، زبان و حتی شیوه مواجهه هنرمند با جهان پیرامونش حضور داشته باشد.

رضا دبیری‌نژاد، رئیس موزه هنرهای معاصر تهران، در گفت‌وگو با «آگاه» درباره شکل‌گیری ایده این نمایشگاه توضیح می‌دهد: «ما از سال گذشته مجموعه‌ای از موضوعات را برمبنای اولویت‌ها یا دغدغه‌های اجتماعی فهرست کردیم. یکی از موضوعاتی که همان زمان برای ما مطرح شد، ایران بود؛ آنچه پیرامون ایران شکل می‌گیرد و آنچه میان ایران و ما نسبت برقرار می‌کند. همان موقع که بحث ایران مطرح شد، به دنبال پاسخ این پرسش بودیم که ایران نزد هنرمندان معاصر چه بازتابی داشته است؟ این پرسش، دغدغه نمایشگاه ما بود و از سال گذشته هم آن را دنبال کردیم.» وی درباره انتخاب عنوان نمایشگاه ادامه می‌دهد: «برای همین نام نمایشگاه را «جست و جوی ایران» گذاشتیم. در واقع دنبال این بودیم که ببینیم هنرمندان دوره مدرن و معاصر ما ایران را چگونه دیده‌اند، چگونه به ایران فکر کرده‌اند و ایران و دغدغه‌های اجتماعی زمانه‌شان چگونه در آثارشان تجلی پیدا کرده است.»

ایران فراتر از نقشه و نشانه‌های آشنا

در بیانیه نمایشگاه آمده است: «نمی‌پرسیم کدام اثر ایرانی‌تر است»؛ پرسش اصلی، چگونگی بازنمایی ایران در آثار هنرمندان است. از همین منظر، خاطره مکان، زندگی روزمره، مهاجرت و حتی احساس فقدان نیز می‌توانند صورت‌هایی متفاوت از تعلق به ایران باشند. دبیری‌نژاد نیز با تاکید بر اینکه بازنمایی ایران در هنر تنها به نشانه‌های آشکار و شناخته شده محدود نمی‌شود، می‌گوید: «ما دنبال این نبودیم که ایران حتما در شکل یا نقشه در آثار حضور داشته باشد. وقتی از خط پارسی صحبت می‌کنیم، از یکی از نمادهای فرهنگی‌مان حرف می‌زنیم. وقتی از اقلیم و طبیعت ایران صحبت می‌کنیم، اینها هم بخشی از ایرانی بودن ما هستند. تاریخ و حماسه نیز مطرحند، اما پرسش این است که تاریخ را چگونه در هنر دیده‌ایم و حماسه را چگونه دیده‌ایم؟ آیین‌ها را چگونه دیده‌ایم؟ اقلیم و طبیعت ما چگونه بازتاب پیدا کرده‌اند؟ خط و زبانمان چگونه بازتاب یافته‌اند؟ حتی مفاهیم انتزاعی و ذهنی ما چگونه در هنر منعکس شده‌اند؟ یعنی هنرمند معاصری که طی ۱۰۰ سال اخیر در این جامعه و در میان این چالش‌ها زندگی کرده و تحت تاثیر مسائل اجتماعی و تغییر و تحولات بوده، این مسائل را چگونه در آثارش منعکس کرده است؟ همه اینها در کنار هم دغدغه این نمایشگاه شدند.»

از طبیعت سپهری تا نشانه‌های سقاخانه

اهمیت نمایشگاه را می‌توان در کنار هم قرار گرفتن هنرمندانی با زبان‌های تصویری متفاوت جست‌وجو کرد. سهراب سپهری با طبیعت گرایی خاص خود، یکی از چهره‌هایی است که پیوند میان تجربه شخصی، طبیعت و نقاشی مدرن را نمایندگی می‌کند. در سوی دیگر، پرویز تناولی و حسین زنده‌رودی از چهره‌های شاخص جریان سقاخانه‌اند؛ جریانی که با بهره‌گیری از نشانه‌های فرهنگ عامه، عناصر مذهبی، خط و سنت‌های بصری ایرانی، زبان تازه‌ای برای هنر نوگرا پدید آورد.

حضور فرامرز پیلارام، رضا مافی و محمد احصایی نیز امکان توجه به جایگاه خط فارسی و ظرفیت‌های تصویری آن را فراهم می‌کند. در کنار آنان، بهمن محصص با زبان شخصی و نگاه متفاوتش به انسان و جهان، یادآور این نکته است که هنر مدرن ایران را نمی‌توان به یک زیبایی‌شناسی یا مجموعه‌ای از نشانه‌های مشترک محدود کرد. آثار پرویز کلانتری، فرح اصولی، علی‌اکبر صادقی و بهرام دبیری نیز برگستره این روایت می‌افزایند؛ از توجه به اقلیم و حافظه تصویری گرفته تا بازخوانی روایت‌های فرهنگی و تاریخی.

جست‌وجو در داشته‌ها و نداشته‌های گنجینه

یکی دیگر از ویژگی‌های نمایشگاه، کنار هم قرار گرفتن آثار آشنا و کمتر دیده شده است. دبیری‌نژاد با اشاره به ساختار هفت بخشی نمایشگاه و ظرفیت گنجینه موزه برای روایت هنر ایران توضیح می‌دهد: «نمایشگاه ما در هفت بخش شکل گرفته و از شنبه نهم آبان افتتاح شده و تا ۱۵ آذر ادامه خواهد داشت. سعی کرده‌ایم ایران را در گنجینه موزه جست‌وجو کنیم. برای همین، برمبنای آثاری که در اختیار داریم و معمولا متعلق به چهره‌های شناخته شده هنر ایران هستند، نمایشگاه را شکل داده‌ایم. این به آن معنا نیست که این آثار همه هنر ایران را دربر می‌گیرند؛ بلکه روایتی است بر اساس ظرفیت موجود و حتی تذکری است به آنچه در گنجینه نیست یا چیزهایی که دیده نشده‌اند.»

از این منظر، نمایشگاه علاوه بر بازخوانی مفهوم ایران، فرصتی برای مواجهه نسل جدید با بخشی از میراث هنر مدرن کشور است؛ میراثی که بخش‌هایی از آن سال‌ها از چشم مخاطبان دور مانده و برخی آثارش نیز ممکن است تاکنون در معرض دید عموم قرار نگرفته باشند.

رئیس موزه هنرهای معاصر تهران در معرفی این آثار می‌گوید: «در بخش‌های مختلف نمایشگاه، آثاری از هنرمندان شناخته‌شده‌ای مانند سهراب سپهری، پرویز کلانتری، پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی، فرامرز پیلارام، بهمن محصص، فرح اصولی، محمد احصایی، علی‌اکبر صادقی، بهرام دبیری و دیگران حضور دارند. بخشی از این آثار شاید پیشتر دیده شده و برای مخاطبان آشنا باشند. بخشی دیگر سال‌هاست دیده نشده‌اند و برای بچه‌ها و نسل جدید جذاب است که دوباره آنها را می‌بینند. بعضی از آثار هم حتی ممکن است هیچ‌وقت به نمایش درنیامده باشند. این مسئله خودش می‌تواند کنجکاوی ایجاد کند. به نظرم این تنوع می‌تواند خود موضوع را هم در فضای فرهنگی و هنری ما به بحث بگذارد.»

از پرده سینما تا موسیقی و کارگاه‌های کودک

برنامه‌های «جست‌وجوی ایران» به نمایش آثار تجسمی محدود نمی‌شود و برگزارکنندگان تلاش کرده‌اند موضوع نمایشگاه را به حوزه‌های دیگر هنری نیز گسترش دهند. دبیری‌نژاد در تشریح این برنامه‌ها می‌گوید: «در کنار نمایشگاه، در طول این یک ماه و نیم نشست‌های تخصصی برای بحث و بررسی این موضوع خواهیم داشت. نمایش فیلم هم خواهیم داشت و سعی کرده‌ایم این موضوع را در آثار شاخص سینمای ایران جست‌وجو کنیم. ان‌شاءالله برنامه‌های موسیقی هم خواهیم داشت تا بازتاب موضوع ایران را در موسیقی نیز دنبال کنیم؛ موسیقی‌های مختلفی که با موضوع ایران ساخته شده‌اند و همین‌طور کارگاه‌هایی برای کودکان، چه به‌صورت مستقل، چه همراه خانواده و چه در قالب برنامه‌های مدارس، کارگاه‌هایی در نظر گرفته‌ایم که برنامه‌های‌شان را اعلام می‌کنیم و مخاطبان می‌توانند دنبال کنند.»

به این ترتیب، «جست‌وجوی ایران» می‌کوشد از یک نمایشگاه گنجینه‌ای فراتر برود و زمینه گفت‌وگو میان هنرهای تجسمی، سینما، موسیقی و مخاطبان نسل‌های مختلف را فراهم کند؛ گفت‌وگویی که نقطه آغاز آن نه ارائه تعریفی قطعی از هویت ایرانی، بلکه طرح دوباره پرسش از ایران است.

ایده‌های نخبگان روی پرده سینما

فراخوان مشترک بنیاد ملی نخبگان و «فارابی»

بنیاد ملی نخبگان با همکاری بنیاد سینمایی فارابی و مشارکت معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، فرصت تازه‌ای را برای حضور و نقش‌آفرینی استعدادهای برتر و نخبگان دانشگاهی در عرصه حرفه‌ای سینما فراهم کرده است.

به گزارش «آگاه» در قالب این فراخوان، از ایده‌ها و طرح‌های سینمایی بلند با محوریت پیشرفت‌های علمی کشور، شرکت‌های دانش‌بنیان، زندگی مفاخر و نخبگان، مسائل اجتماعی، هویت ایرانی ـ اسلامی و موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس حمایت می‌شود.

نویسندگان، کارگردانان و تهیه‌کنندگانی که دست‌کم یکی از عوامل اصلی گروه تولید، از برگزیدگان طرح‌های بنیاد ملی نخبگان باشد و دارای سابقه تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های مرتبط باشند، امکان ثبت‌نام در این فراخوان را دارند. طرح‌های واجد شرایط پس از ارزیابی و داوری تخصصی، با حمایت معاونت علمی و بنیاد ملی نخبگان و راهبری تخصصی بنیاد سینمایی فارابی، مسیر توسعه و تولید آثار سینمایی را طی خواهند کرد.

مهلت ثبت درخواست برای این فراخوان که فرصتی برای روایت سینمایی ایده‌ها، دستاوردها و مسائل ایران از سوی استعدادهای برتر کشور است، تا ۲۳ آبان جاری اعلام شده است و علاقه‌مندان می‌توانند برای سامانه ثبت‌نام به وب‌سایت https://sina.bmn.ir/group/guest/۱۰۳۱ مراجعه کنند.

محمدرسول صادقی، مدیرعامل موسسه هنر و تجربه سینمای ایرانیان شد

رئیس سازمان سینمایی در حکمی، محمدرسول صادقی را به عنوان مدیرعامل موسسه فرهنگی و هنری هنر و تجربه سینمای ایرانیان منصوب کرد.

به گزارش «ایرنا» از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، رائد فریدزاده در حکمی، محمدرسول صادقی را به عنوان مدیرعامل موسسه فرهنگی و هنری هنر و تجربه سینمای ایرانیان منصوب کرد. در این حکم خطاب به صادقی آمده است: «نظر به تعهد، تجربه و شایستگی‌های ارزشمند جنابعالی، به موجب این حکم به سمت مدیرعامل موسسه فرهنگی و هنری هنر و تجربه سینمای ایرانیان منصوب می‌شوید. امید است با تدبیر، برنامه‌ریزی و مدیریت جنابعالی در راه‌اندازی و تداوم فعالیت‌ها و همراهی اهالی شریف سینمای ایران، گام‌های موثری در مسیر ارتقای جایگاه سینمای ملی در عرصه داخلی و بین‌المللی برداشته شود.

- ایجاد زمینه مناسب برای نمایش آثار سینمایی هنری، تجربی و سینمای اندیشه محور و افزایش سطح کیفی و کمی سینمای هنر و تجربه و نیز توسعه سهم بازارها و رویدادهای تخصصی سینمایی.
- توسعه استانداردهای اجرایی، محتوایی و بین‌المللی و ظرفیت‌های فناورانه و رسانه‌ای در برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای سینمایی.
- ساماندهی و مدیریت بهینه منابع مالی، اجرایی و پشتیبانی جشنواره‌ها و رویدادهای سینمایی و همچنین جذب مشارکت‌های دولتی، عمومی و خصوصی برای توسعه جشنواره‌ها و رویدادهای سینمایی.
- توسعه زیرساخت‌های مشترک و متمرکز برای ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها.
- ایجاد و توسعه آرشیو، بانک اطلاعات و مرکز اسناد مرتبط با جشنواره‌ها و رویدادهای سینمایی از جمله امور مورد انتظار است.»

محمدرسول صادقی متولد ۱۳۵۶ در تهران و دانش‌آموخته دکترای فرهنگ و ارتباطات است. وی از سال ۱۳۷۵ فعالیت حرفه‌ای خود را با روزنامه‌نگاری آغاز کرد و تا پیش از این عضو هیات مدیره و معاون ارتباطات و جشنواره‌های انجمن سینمای جوانان ایران، معاون فرهنگی و هنری خانه هنرمندان ایران، معاون فرهنگی و هنری کمیسیون ملی یونسکو، مشاور مدیرعامل و مدیر روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، مدیرکل روابط عمومی سازمان سینمایی، معاون تولید هنری و مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، مدیر روابط عمومی فرهنگستان علوم و... بوده است.

عضو هیات علمی جایزه جلال:

شرایط اقتصادی، تحقق اهداف جایزه جلال را دشوار کرده است

مجید قیصری، از اعضای هیات علمی نوزدهمین دوره جایزه جلال آل احمد گفت: جایزه جلال معتبرترین و گران‌ترین جایزه ادبی ایران است و اگر در شرایط طبیعی اقتصادی برگزار شود می‌تواند مشوق خوبی برای نویسندگان و نیز راهنمای مناسبی برای آشنایی کتابخوانان با بهترین آثار ادبی کشورمان باشد، اما در شرایطی که نشر کشور با بحران مواجه است و گرانی کاغذ و هزینه بالای چاپ به بالارفتن محسوس قیمت کتاب و پایین آمدن شمارگان منجر شده، تحقق اهداف این جایزه مشکل است.

مجید قیصری که در دوره پیشین، دبیر علمی جایزه جلال بوده و در دوره نوزدهم از اعضای هیات علمی است، در گفت‌وگو با «ایبنا» با تاکید بر اینکه اگر در شرایط بحران اقتصادی و جنگ نباشیم، جایزه جلال به عنوان معتبرترین و گران‌ترین جایزه ادبی کشور می‌تواند در تشویق نویسندگان و نیز جهت دهی به سیر مطالعاتی کتابخوانان موثر باشد، عنوان کرد: جایزه جلال معتبرترین و گران‌ترین جایزه ادبی کشور است ولی به دلیل شرایط اقتصادی روند خرید و توزیع کتاب مناسب نیست و تورم بالا باعث شده میزان جایزه چندان تاثیری در وضعیت اقتصادی برندگان نداشته باشد و کتابخوانان نیز حتی اگر با بهترین آثار ادبی منتشرشده آشنا شوند نتوانند از عهده خرید آن برآیند. وی همچنین با تاکید بر اینکه بهتر است اعضای هیات علمی جایزه جلال برای بازه زمانی طولانی‌تر منصوب شوند، گفت: در دوره قبل پیشنهاد دادم اعضای هیات علمی برای چهار دوره ثابت باشند تا فرصت بیشتری برای ارزیابی و بازبینی عملکرد خود در انتخاب داوران و شکل‌دهی به برنامه‌های جایزه داشته باشند.

این نویسنده با تاکید بر اینکه اولین قربانی جنگ و شرایط دشوار اقتصادی همیشه حوزه فرهنگ و نشر است، افزود: اکنون ادبیات ما در شرایط یک بیمار با فشار خون بالاست که بهترین جراحان هم تا مشکل فعلی حل نشود نمی‌توانند جراحیش کنند.

تا زمانی که قیمت کاغذ بالاست و شرایط اقتصادی باعث بسته شدن کتابفروشی‌ها و توقف چاپ کتاب‌ها می‌شود، جوایز ادبی نمی‌توانند چالش‌های حوزه ادبیات داستانی را برطرف کنند.

وی با بیان اینکه در یک سال اخیر به دلیل پشت سر گذاشتن دو جنگ تعداد کتاب‌های منتشرشده ادبیات در تمام قالب‌های داستان کوتاه، رمان و نقد افت محسوسی داشته است، گفت: اکنون در شرایط خاص اقتصادی ناشی از جنگ قرار داریم و باید پذیرفت برای بسیاری از خانواده‌ها تامین خوراک و نیازهای اولیه زندگی دشوار شده و نمی‌توان توقع داشت به فرهنگ و کتاب فکر کنند. امیدواریم با بهبود شرایط اقتصادی و رونق دوباره بازار نشر شاهد بازگشت کتاب و ادبیات به جایگاه درشان آن باشیم.

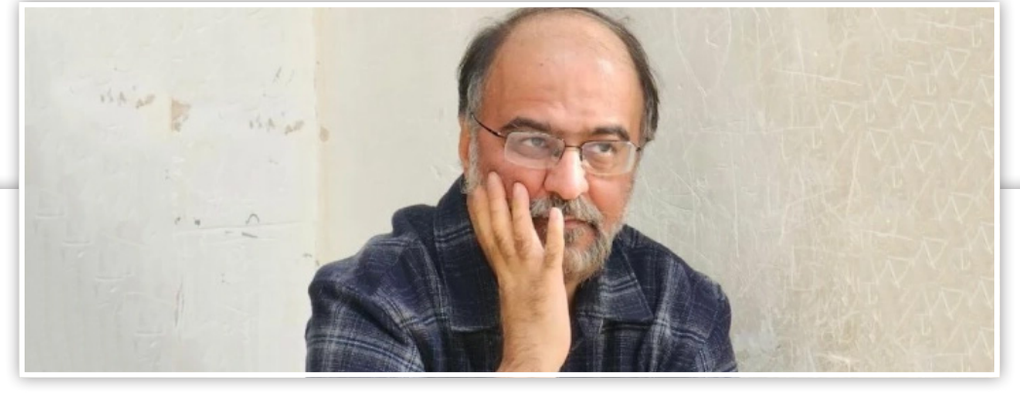

رحمت امینی درباره تازه‌ترین اثر خود گفت:

«وزیر» نیازمند حمایت مالی است

رحمت امینی که در نظر دارد یکی از داستان‌های مثنوی را به صحنه بیاورد، می‌گوید که اجرای این نمایش نیازمند حامی مالی است.

این نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر درباره تازه‌ترین فعالیت‌های خود به «ایسنا» گفت: پروژه‌ای که در دست کار دارم، اقتباسی نمایشی از یکی از داستان‌های دفتر اول مثنوی است که آرازبارسقیان به پیشنهاد من این داستان را در قالب نمایشنامه نوشته است.

امینی ادامه داد: نام نمایشنامه ما «وزیر» است و اقتباسی است از داستان «حکایت پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت از بهر تعصب» و به نوعی با شرایط امروز هم همخوانی دارد. این داستان یکی از طولانی‌ترین داستان‌های مثنوی است که به اندازه حکایت‌هایی مانند «طوطی و بازرگان» به شهرت نرسیده ولی در جامعه دانشگاهی و ادبی از حکایت‌های قابل اعتنای مثنوی است که پلات آن با نمایشنامه‌های بزرگ جهانی همانند «هملت» هم‌ترازی دارد. او که در نظر دارد این نمایش را با گروهی از دانش‌آموختگان تئاتر روی صحنه بیاورد، درباره زمان احتمالی اجرای این اثر نمایشی توضیح داد: احتمالا نیمه آذر نمایشنامه را اجراخوانی خواهیم کرد. فعلا مشغول روخوانی متن هستیم و اگر حامی مالی مناسبی پیدا کنیم، شاید یک ماه بعد از اجراخوانی بتوانیم برای اجرای عمومی آماده باشیم.

امینی اضافه کرد: اجرای ما خیلی به همکاری با یک حامی مالی بستگی دارد چراکه این پروژه با نمایش‌های قبلی من متفاوت است. اثری است پر بازیگر و دکور و موسیقی و شرایط اجرایی آن به گونه‌ای است که نمی‌توان بدون حضور حامی مالی، آن را به صحنه رساند.

مدیرکانون نمایش‌های آیینی و سنتی در ادامه با ارائه توضیحاتی درباره سومین دوره پروژه «روبنا» که پروژه‌ای دانشگاهی و ویژه نمایش‌های ایرانی است، افزود: به تازگی تماشاخانه سنگلج به عنوان دبیرخانه دائمی این رویداد مشخص شد و برای سومین دوره متوالی، آقای شایان صدرزاده دبیری این پروژه را برعهده دارد. او از تشکیل شورای علمی پروژه روبنا خبر داد و افزود: این شورا متشکل از استادان و معلمان مرتبط با نمایش‌های سنتی ایران است. ضمن اینکه امسال، «روبنا» بخش مهمانی هم دارد که ویژه هنرستان‌های نمایشی دختران و پسران تعریف شده که می‌توانند در این رویداد حضور پیدا کنند.

امینی درباره زمان انتشار فراخوان و برگزاری این رویداد نیز توضیح داد: معمولا فراخوان ما اول سال تحصیلی جدید منتشر می‌شود و احتمالا تا روزهای آینده به طور رسمی منتشر خواهد شد. شکل برگزاری این رویداد به این صورت است که استادان و دانشجویان در طول ترم تحصیلی، طبق فرآیند کلاسی خود، آثار خود را می‌سازند. «روبنا» شکل جشنواره ندارد و هیچ اثری در آن مردود نمی‌شود. کارهایی که تا تاریخ برگزاری این رویداد آماده می‌شوند، به صحنه می‌روند و کارهای دیگری که آماده نمی‌شوند، در صورت تمایل، می‌توانند روال تمرین خود را ادامه بدهند و در شنبه‌های روبنا شرکت کنند یا در دوره بعدی به صحنه بروند.

او اضافه کرد: معمولا آثار شرکت‌کننده در این رویداد، اسفند در قالب یک رپرتوار نمایشی به صحنه می‌روند. به احتمال قوی آثار شرکت‌کننده در سومین دوره این رویداد، در تماشاخانه طهران، تماشاخانه سنگلج و شاید تالار مولوی به صحنه خواهند رفت.

نادر بذرافشان، رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران:

سکه تمام طرح جدید پنج میلیون و ۵۰۰ هزار تومان کاهش پیدا کرد

یک‌شنبه/ ۱۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۷۸

چه بر سر درختان یکی از مهم‌ترین بوستان‌های تهران آمد؟

خزان چیتگر

تصاویر درختان خشکیده و تنه‌هایی که پس از قطع در بخش‌هایی از بوستان چیتگر باقی مانده‌اند، طی ماه‌های گذشته بار دیگر وضعیت این فضای سبز گسترده در غرب تهران را به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز تبدیل کرده است. در فیلم‌ها و تصاویر منتشرشده، درختانی دیده می‌شوند که دیگر شاخ‌وبرگ سبزی ندارند و در بخش‌هایی از بوستان، جای خالی درختان قطع‌شده به چشم می‌خورد. پرسش اصلی این است که چرا چیتگر به چنین وضعیتی رسیده، چه عواملی در خشکیدگی درختان آن نقش داشته‌اند و مسئولیت پیشگیری از گسترش این بحران بر عهده کدام دستگاه است؟

به گزارش «آگاه» برای فهم وضعیت امروز جنگل چیتگر باید به گذشته آن و شرایط قبل نگاهی کرد. بخش قابل توجهی از درختان چیتگر از گونه‌های کاج و دیگر سوزنی‌برگان هستند که تعدادی از آنها در دهه ۱۳۴۰ کاشته شدند. با گذشت چند دهه، این درختان در شرایطی قرار گرفته‌اند که تامین آب و مراقبت مستمر از آنها اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

بر اساس اظهارات شهردار منطقه ۲۲، روند خشکیدگی درختان چیتگر از حدود ۱۵ سال پیش آغاز شده است. محمدجواد خسروی می‌گوید: حقابه‌ای که پیشتر از منابع آب خام شهری به این بوستان اختصاص می‌یافت، حدود ۵۰۰ لیتر در ثانیه بود، اما این میزان در ادامه کاهش پیدا کرد و به صفر رسید. نیاز آبی بوستان حدود ۲۵۰ لیتر در ثانیه برآورد می‌شود بنابراین کاهش آب تخصیص‌یافته، فاصله‌ای جدی میان نیاز آبی فضای سبز و میزان آب در دسترس ایجاد کرده است. این توضیحات با روایت برخی دیگر از مسئولان نیز همخوانی دارد. معاون آب و انرژی سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران، کاهش حقابه را یکی از عوامل ریشه‌ای وضعیت چیتگر می‌داند و می‌گوید: میزان آب تخصیصی که در گذشته ۵۰۰ لیتر در ثانیه بود، در اواخر دهه ۱۳۹۰ به صفر رسید. کمبود آب تنها به معنای خشک شدن مستقیم درختان نیست. درختی که برای مدتی طولانی تحت تنش آبی قرار داشته باشد، ضعیف‌تر می‌شود و ممکن است در برابر آفت‌ها آسیب‌پذیری بیشتری پیدا کند.

از تنش آبی تا گسترش آفت

سوسک پوست‌خوار کاج مدیترانه‌ای و آفت‌های چوب‌خوار از عوامل موثر در آسیب‌دیدگی درختان معرفی شده‌اند. در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ حدود ۹ تا ۱۰ هزار درخت ضعیف‌شده در معرض آسیب قرار گرفتند و بخشی از آنها با آفت درگیر شدند. در همان دوره، حدود هزار درخت نیز علامت‌گذاری و قطع شدند.

محمود ترک، معاون آب و انرژی سازمان بوستان‌ها و فضای سبز تهران نیز گفته که حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ درخت ضعیف‌شده مورد حمله آفت چوب‌خوار قرار گرفته بودند. شهردار منطقه ۲۲ هم از شناسایی درختان آلوده و ضرورت مقابله با گسترش آفت سخن گفته است. با این حال، موضوع فقط شناسایی درخت آلوده نیست؛ زمان تشخیص، نحوه مراقبت و سرعت اقدام نیز اهمیت دارد. درختان خشکیده یا آلوده، در صورت تشخیص به موقع و انجام اقدامات بهداشتی، باید مدیریت شوند تا خطر گسترش آفت کاهش پیدا کند. در مقابل، تاخیر در رسیدگی می‌تواند دامنه آسیب را افزایش دهد. در همین زمینه، مسئولان منابع طبیعی و مدیریت شهری بر ضرورت رسیدگی به درختان آلوده تاکید دارند، اما درباره اینکه کدام دستگاه باید زودتر وارد عمل می‌شد و مسئولیت اصلی مراقبت بر عهده چه نهادی بوده است؟ اختلاف‌نظر وجود دارد.

مسئولیت چیتگر با کدام دستگاه است؟

یکی از محورهای اصلی بحث درباره چیتگر، تقسیم مسئولیت میان شهرداری و منابع طبیعی است. بر اساس توضیحات رضا بیانی، مدیرکل منابع طبیعی استان تهران، مدیریت حقوقی پارک‌های جنگلی در سال ۱۳۹۸ به شهرداری‌ها منتقل شده و آنها وظایفی مانند آبیاری، مراقبت پیشگیرانه، عملیات بهداشتی و مقابله با آفت را بر عهده دارند. به گفته او، منابع طبیعی پیشتر درباره وضعیت چیتگر به شهرداری هشدار داده و مکاتباتی نیز انجام شده است و شهرداری در چارچوب مدیریت پارک باید برای پیشگیری و مراقبت از درختان اقدام می‌کرد.

این در حالی است که برخی مسئولان مدیریت شهری و شورای شهر، منابع طبیعی را در روند رسیدگی به وضعیت درختان دخیل می‌دانند. به عنوان مثال مهدی بابایی، نایب‌رئیس کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر تهران، تاخیر در اقدام منابع طبیعی را یکی از عوامل گسترش آفت در چیتگر و سرخه حصار دانسته است. مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران نیز گفته است که درختان به دلیل بیماری، کم‌آبی و قدمت ناچار به قطع شدن بوده‌اند و منابع طبیعی نیز در روند قطع درختان، با هماهنگی مدیریت شهری، نقش داشته است. این اظهارات نشان می‌دهد که مسئله فقط به تشخیص علت خشکیدگی محدود نیست؛ تعیین مسئولیت در مراقبت، تامین آب، شناسایی آفت و صدور مجوزهای لازم نیز بخش مهمی از ماجراست.

مشاهدات میدانی هم خبر از تنه‌های آسیب‌دیده، پوست‌کنده‌شده و شیارهای عمیق روی برخی درختان می‌دهند. در بعضی از این تنه‌ها، آثار خراش و خروج صمغ نیز وجود دارد. همچنین در بخش‌هایی از بوستان، نهرهای آبیاری خشک و لوله‌هایی دیده شده‌اند که در معرض دید قرار دارند و ظاهرا آبی در آنها جریان ندارد. این مشاهدات پرسش‌هایی درباره نحوه مراقبت از درختان و احتمال آسیب‌های انسانی ایجاد می‌کند، البته مشاهده آثار خراش یا پوست‌کندگی به‌تنهایی عمدی بودن آسیب‌ها را ثابت نمی‌کند.

قطع درختان چگونه انجام می‌شود؟

قطع درختان خشکیده یا آلوده در پارک‌های جنگلی باید بر اساس تشخیص کارشناسی و ضوابط مربوط انجام شود. کارکنان شهرداری موارد مشکوک به آفت زدگی را گزارش می‌کنند و کارشناسان منابع طبیعی درختان را بررسی و علامت‌گذاری می‌کنند. پس از آن، مجوزهای لازم از دفتر جنگل‌داری و بهره‌برداری اخذ می‌شود. پیمانکار مربوط از طریق مناقصه یا مزایده و از سوی مرجع مسئول انتخاب می‌شود و عملیات قطع و خروج چوب را انجام می‌دهد. برای حمل چوب نیز بارنامه یا اسناد حمل شامل اطلاعات محموله، خودرو و زمان خروج تنظیم می‌شود و چوب باید از مسیرهای مشخص خارج شود. نظارت بر فروش چوب نیز بره عهده منابع طبیعی است.

راه نجات چیست؟

بازگشت چیتگر به وضعیت مطلوب، صرفا با قطع درختان خشکیده و کاشت نهال‌های جدید امکان‌پذیر نیست. نخستین مسئله، تامین پایدار آب و مشخص شدن سهم منابع آبی در دسترس بوستان است. اگر نیاز آبی این فضای سبز حدود ۲۵۰ لیتر در ثانیه برآورد شده و حقابه آن در دوره‌ای به صفر رسیده باشد، برنامه احیا باید بر اساس منابع واقعی آب و ظرفیت پایدار تامین آن تنظیم شود.

به همین دلیل سخنگوی شهرداری تهران از اجرای طرح‌هایی برای انتقال و استفاده از پساب تصفیه‌شده سخن گفته است. به گفته عبدالمطهر محمدخانی، طی سه سال گذشته حدود ۴۰ کیلومتر لوله برای آبیاری با پساب تصفیه شده اجرا شده و بیش از ۲۵ هزار نهال نیز با مشارکت گروه‌های مردمی و محیط‌زیستی کاشته شده است. او تاکید کرده که احیای چیتگر به زمان نیاز دارد و نتیجه اقدامات درختکاری و آبیاری را نمی‌توان در کوتاه‌مدت ارزیابی کرد. موضوع دیگر، انتخاب گونه‌های مناسب است. مدیرکل منابع طبیعی استان تهران گفته است که در کاشت‌های جدید از گونه‌های بومی و غیربازدان استفاده می‌شود از جمله اقاقیا، بلوط، کنار و سنجد که به گفته او به آب کمتری نیاز دارند.

با این حال، موفقیت برنامه کاشت به تعداد نهال‌های کاشته شده محدود نمی‌شود. انتخاب گونه متناسب با شرایط اقلیمی، تامین آب، آماده‌سازی خاک، مراقبت پس از کاشت و پایش وضعیت نهال‌ها، همگی در ماندگاری پوشش گیاهی نقش دارند. بدون مراقبت چندساله، افزایش آمار کاشت لزوما به معنای احیای موفق جنگل نیست. همچنین لازم است درختان باقی‌مانده به‌طور منظم پایش شوند، آفت‌ها در مراحل اولیه شناسایی شوند و درختان آلوده مطابق نظر کارشناسان و ضوابط قانونی مدیریت شوند.

در نهایت، روشن شدن مسئولیت دستگاه‌ها نیز بخشی از راه حل است. اگر کمبود آب، تاخیر در مراقبت، شیوه مدیریت یا عوامل دیگری در گسترش بحران نقش داشته‌اند، باید سهم هر عامل بر اساس اسناد و بررسی کارشناسی مشخص شود نه اینکه مسئولیت میان دستگاه‌ها دست به دست شود و در نهایت، پاسخ روشنی درباره سرنوشت درختان ارائه نشود. همچنان که علی‌محمد مختاری، رئیس اسبق سازمان بوستان‌ها و فضاهای سبز شهرداری تهران به سوالات خبرنگار «آگاه» در این زمینه پاسخگو نیست تا بگوید در دو دهه اخیر چه اقداماتی را انجام داد تا چیتگر به این روز نیفتد. چون سخنگوی شهرداری تهران ریشه بحران را در تصمیم‌ها و کوتاهی‌های دو دهه گذشته اخیر می‌داند. یعنی زمانی که مختاری مسئولیتی در این زمینه داشت.

اکنون، سخنگوی شهرداری تهران از اجرای حدود ۴۰ کیلومتر لوله طی سه سال گذشته خبر داده و گفته است بیش از ۲۵ هزار نهال با مشارکت گروه‌های مردمی و محیط‌زیستی کاشته شده‌اند. شهردار منطقه ۲۲ نیز از برنامه کاشت ۳۰ هزار درخت تا پایان سال ۱۴۰۵ خبر داده است. در کنار آن، طرحی با عنوان «نهال» برای مشارکت شهروندان در کاشت و نگهداری درختان مطرح شده است.

تغییر ریل از وام‌های نقدی به تامین اعتبار زنجیره‌ای

مهار خلق نقدینگی و هدایت مستقیم اعتبار به کارگاه‌ها

دهه‌هاست که ساختار تامین مالی بخش تولید در کشور بر ستون تسهیلات نقدی سرمایه در گردش استوار مانده است. در این چارچوب سنتی، شرکت‌ها و فعالان اقتصادی برای تامین ملزومات روزمره، خرید مواد اولیه و رتق‌وفتق هزینه‌های جاری خود به باجه بانک‌ها مراجعه کرده و خواهان دریافت منابع نقدی می‌شوند. اما برآیند عملکرد این سازوکار در گذر زمان نشان داد که مدل کلاسیک وام‌دهی نه‌تنها گره پایداری از مشکلات تولیدکنندگان واقعی نگشوده، بلکه به موتور محرکی برای تشدید تورم، رشد حجم نقدینگی و بی‌انضباطی در شبکه بانکی کشور بدل گشته است.

سیاست گذار پولی در دوره‌های گوناگون با پدیده عجیبی روبه‌رو بوده است؛ از یک سو آمارها حاکی از تزریق سنگین نقدینگی تحت سرفصل سرمایه در گردش به بخش‌های مختلف اقتصادی است و از سوی دیگر، بخش عمده صنعتگران، به‌ویژه در لایه‌های میانی و کارگاه‌های کوچک، از تشنگی مزمن مالی و نبود نقدینگی برای خرید نهاده‌های تولید گلایه دارند.

به گزارش «مهر» این تعارض آشکار، بانک مرکزی را به این نتیجه رسانده که شیوه توزیع منابع مالی در بخش واقعی اقتصاد نیازمند بازنگری ساختاری است؛ بازنگری بنیادینی که حاصل آن چرخش تدریجی به سمت الگوهای نوین تامین مالی زنجیره تامین، از جمله بهره‌گیری از اوراق گام، برات الکترونیک و قراردادهای فاکتورینگ بوده است.

کالبدشکافی ناکارآمدی تسهیلات نقدی و انحراف منابع

برای درک چرایی افول کارایی وام‌های نقدی سنتی، پیش از هر چیز باید نگاهی به مناسبات تورمی و فاصله عمیق نرخ سود بانکی با بازدهی بازارهای غیرمولد داشت. هنگامی که نرخ بهره اسمی تسهیلات به شکل معناداری پایین‌تر از نرخ تورم عمومی قرار می‌گیرد، وام نقدی ماهیتی شبیه به یک رانت پیدا می‌کند. در چنین بستری، هنگامی که منابع ریالی مستقیما به حساب یک بنگاه واریز می‌شود، نظارت دقیق بر محل هزینه‌کرد آن از دست ناظر پولی خارج می‌گردد.

تجارب سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بخش مهمی از این نقدینگی به جای نشستن در پای خطوط تولید و خرید مواد اولیه، سر از بازارهای سوداگرانه ارز، طلا، مستغلات یا سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت پربازده درآورده است. پدیده رواج فاکتورهای صوری و فاکتورسازی یکی از بارزترین عوارض همین شیوه بود؛ رویه‌ای که در آن بنگاه صرفا با ارائه اسناد تجاری غیرواقعی، اعتبار نقدی دریافت می‌کرد و آن را در مقاصد غیرمرتبط به جریان می‌انداخت.

علاوه بر انحراف آشکار نقدینگی، مشکل بنیادین دیگر در تسهیلات سنتی، مقیاس چندباره تقاضای پول در یک زنجیره بسته بود. فرض کنید در فرآیند تولید یک محصول نهایی، پنج حلقه متمایز از قبیل استخراج‌کننده ماده خام، پالایش‌کننده، سازنده قطعه، کارخانه مونتاژ و شبکه توزیع قرار داشته باشند. در مدل سنتی، تک‌تک این حلقه‌ها ناچار بودند برای خرید نهاده از حلقه پیشین خود به بانک رجوع کرده و تسهیلات نقدی مطالبه کنند. بدین ترتیب، برای تولید یک واحد کالای مشخص، پنج فقره تقاضای نقدینگی در سیستم بانکی ثبت می‌شد و پنج بار خلق اعتبار صورت می‌گرفت. این تکرار متوالی و غیرضروری، علاوه بر افزایش کاذب تقاضای کل برای نقدینگی، سبب افزایش سرعت گردش پول و تشدید فشارهای تورمی می‌شد، بدون آنکه ارزش افزوده صنعتی جدیدی خلق شده باشد.

در کنار این آسیب‌ها، نظام توزیع وام سنتی به شدت جانبدارانه بود؛ چراکه ارزیابی اعتبار متقاضیان صرفا بر پایه وثایق ملکی سنگین استوار بود. در نتیجه، بنگاه‌های بزرگ، با نفوذ و شرکت‌های دارای ارتباطات خاص موفق به بلعیدن سهم عمده منابع می‌شدند و تسهیلات خرد و متوسط از دسترس پیشران‌های واقعی اشتغال دور می‌ماند. همچنین با سررسید شدن این وام‌ها و ناتوانی در بازپرداخت، شبکه بانکی ناگزیر به تمدید و استمهال صوری مطالبات می‌شد؛ پدیده‌ای که به انجماد ترازنامه بانک‌ها و خلق سودهای موهوم منتهی شد.

اعتبار زنجیره‌ای؛ گردش اسناد به جای خروج نقدینگی

در نقطه مقابل این بن‌بست ساختاری، الگوی تامین مالی زنجیره تامین قرار دارد که فلسفه آن جایگزینی «اعتبار» با «پول نقد» است. در این شیوه نوین، دیگر پولی به حساب جاری خریدار یا تولیدکننده ریخته نمی‌شود تا او با آن خرید کند؛ بلکه خریدار یک ابزار تعهد پرداخت معتبر بانکی نظیر اوراق گام یا برات الکترونیک صادر کرده و در قبال دریافت کالا به فروشنده بالادستی تحویل می‌دهد.

فروشنده نیز می‌تواند همین ابزار را برای خرید ملزومات خود به حلقه قبلی انتقال دهد. این گردش ابزار تا رسیدن به تامین‌کننده اصلی ادامه می‌یابد و تسویه نقدی تنها یک بار و در سررسید پایانی توسط بانک عامل انجام می‌گیرد. بزرگ‌ترین دستاورد این دگرگونی، تضمین اصابت منابع به زنجیره ارزش واقعی است. از آنجا که انتقال اعتبار در این سازوکار به شکل کاملا سیستمی و در بستر سامانه‌های دولتی، مانند سامانه جامع تجارت و سامانه مودیان انجام می‌پذیرد، امکان صدور سند بدون مبادله واقعی فیزیکی کالا سلب می‌شود.

در نتیجه، راه انحراف منابع به بازارهای سفته‌بازی برای همیشه بسته خواهد شد. از سوی دیگر، با جریان یافتن یک برگه اعتباری واحد میان چندین شرکت هم‌پیمان در یک زنجیره، نیاز شبکه تولید به تزریق پی‌درپی اسکناس و پول نقد به حداقل ممکن کاهش می‌یابد. این مسئله فشار مضاعف را از روی دوش بانک‌ها برای اعطای وام‌های پرریسک برمی‌دارد و پایه‌های انضباط پولی را تحکیم می‌کند.

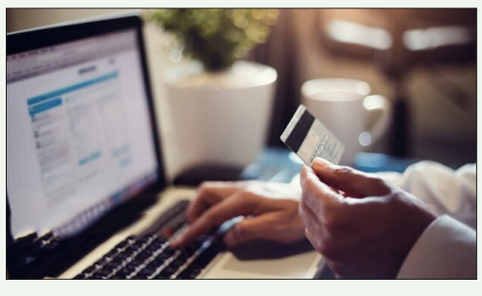

امتیاز حیاتی دیگر، شمولیت مالی گسترده برای کارگاه‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط است. در سازوکار تامین مالی زنجیره‌ای، اعتبار یک شرکت کوچک دیگر با متراژ سند کارخانه یا وثیقه ملکی ارزیابی نمی‌شود؛ بلکه این شرکت با قرارگرفتن در زنجیره تامین یک بنگاه بزرگ و معتبر، به پشتوانه اعتبار و اوراق تعهد پرداخت همان شرکت مادر به خرید مواد اولیه اقدام می‌کند. این تحول، چرخه معیوب فقدان وثیقه برای صنایع کوچک را می‌شکند و عدالت توزیعی در تامین منابع را به نمایش می‌گذارد.

چالش‌های پیش روی ریل‌گذاری نوین پولی

اگرچه محاسن مهاجرت به اعتبار زنجیره‌ای غیرقابل انکار است، اما استقرار تمام‌عیار این الگو در فضای واقعی اقتصاد ایران با موانع ساختاری نیز دست به گریبان است. چالش نخست، مقاومت تاریخی بخش‌هایی از اقتصاد است که در دهه‌های متمادی از منافع وام‌های ارزان قیمت، نقدینگی بی‌قید و شرط و فرصت‌های سوداگری بهره‌مند بوده‌اند؛ این لایه‌ها به راحتی شفافیت مالیاتی و تراکنشی سامانه‌های زنجیره‌ای را نمی‌پذیرند.

چالش دوم، کارکرد بازار ثانویه این ابزارها است. چنانچه دارنده اوراق در میانه راه نیازمند نقدینگی آنی شود و تصمیم به تنزیل آن در بازار سرمایه بگیرد، باید بازاری کارا، عمیق و منصفانه وجود داشته باشد تا نرخ شکست و تنزیل، به هزینه‌ای سنگین‌تر از وام‌های معمول بدل نشود. افزایش نقدشوندگی این ابزارها در بورس و ارتقای سواد مالی مدیران صنعتی کوچک برای استفاده از برات الکترونیک و فاکتورینگ، از ملزومات اساسی پیروزی این ریل‌گذاری جدید است. در فرجام سخن، اقدام بانک مرکزی در کاستن از سهم وام‌های نقدی سرمایه در گردش و سوق دادن اعتبارات به سمت تامین مالی زنجیره‌ای، گامی ساختاری و شجاعانه برای درمان ریشه‌ای بیماری عدم اصابت تسهیلات به شمار می‌رود. این رویکرد، تولید کشور را از اعتیاد به تزریق نقدینگی تورم‌زا می‌رهاند و سلامت ترازنامه نظام بانکی را تضمین می‌سازد.

علی باقرزاده، رئیس مرکز منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش:

مدارس غیردولتی برای استفاده از معلمان بازنشسته محدودیتی ندارند

یک‌شنبه/ ۱۰ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۷۸

سهم گازخانه‌ها، صنایع و نیروگاه‌ها در زمستان چقدر است؟

سرما در راه؛ ناترازی در کمین

با باقی ماندن ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت آسیب‌دیده تولید گاز خارج از مدار، احتمال تنش گازی در ۱۱ استان و افزایش مصرف همزمان با افت دما، تامین انرژی در زمستان پیش رو با چالش‌های جدی روبه‌روست؛ در این میان، دولت از صرفه‌جویی، واردات انرژی و سناریوهای جایگزین سخن می‌گوید، اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: کمبود گاز قرار است چگونه و با چه هزینه‌ای مدیریت شود؟

به گزارش «آگاه» با نزدیک شدن به روزهای سرد سال، بار دیگر مسئله ناترازی گاز به یکی از دغدغه‌های اصلی تامین انرژی کشور تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که برخلاف ظاهر فصلی آن، ریشه در سال‌ها ناهماهنگی میان رشد مصرف، ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی دارد. امسال اما شرایط با یک عامل تازه نیز پیچیده‌تر شده است؛ آسیب دیدن بخشی از تاسیسات و زیرساخت‌های تولید و فرآورش گاز در منطقه پارس جنوبی، به‌ویژه تاسیسات پالایشگاهی عسلویه، در جنگ که بخشی از ظرفیت عرضه کشور را از مدار خارج کرده و کار مدیریت مصرف در ماه‌های سرد را دشوارتر ساخته است. در چنین شرایطی، تامین گاز بخش خانگی به عنوان اولویت اصلی شبکه، در کنار نیاز نیروگاه‌ها و صنایع به سوخت، معادله‌ای دشوار پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده است. تجربه زمستان‌های گذشته نشان داده است که هرگاه مصرف خانگی در روزهای سرد افزایش پیدا می‌کند، نخستین پیامد کمبود گاز در محدودیت مصرف صنایع و تغییر سوخت نیروگاه‌ها نمایان می‌شود؛ اتفاقی که می‌تواند علاوه بر هزینه‌های زیست‌محیطی، بر تولید و فعالیت اقتصادی نیز اثر بگذارد.

۱۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت تولید همچنان خارج از مدار

سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، اعلام کرده است که در جریان حملات دشمن حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت روزانه تولید گاز کشور آسیب دیده است. به گفته او، با تلاش مجموعه صنعت نفت و گاز، حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت به مدار بازگشته، اما همچنان ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت از دست‌رفته احیا نشده است. این کاهش در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که شبکه گاز کشور پیش از این نیز با ناترازی ساختاری مواجه بوده است. به بیان دیگر، ظرفیت از دست رفته قرار نیست فقط یک نیاز جدید را ایجاد کند، بلکه به کسری موجود اضافه شده و فاصله میان عرضه و تقاضا را افزایش می‌دهد. البته بازگشت بخشی از ظرفیت آسیب‌دیده به شبکه را نمی‌توان نادیده گرفت، اما باقی ماندن بیش از نیمی از ظرفیت از دست رفته نشان می‌دهد که تعمیرات و بازسازی زیرساخت‌ها هنوز نتوانسته است همه آثار این اتفاق را جبران کند. بنابراین، مدیریت مصرف و تامین سوخت جایگزین برای بخش‌هایی که امکان استفاده از آن را دارند، به یکی از ضرورت‌های عبور از فصل سرد تبدیل شده است.

۱۱ استان در معرض تنش گازی

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران اعلام کرده است که با توجه به ناترازی موجود و کاهش ظرفیت تولید، احتمال بروز تنش گازی در ۱۱ استان کشور وجود دارد. براساس توضیحات سعید توکلی، مازندران، گلستان و خراسان شمالی در موقعیت دشوارتری قرار دارند و در استان‌هایی مانند تهران، البرز، سمنان، کرمان، اصفهان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان و خراسان رضوی نیز ممکن است در بخش‌هایی از شبکه مشکلاتی در تامین گاز ایجاد شود.

این وضعیت بیش از هر چیز به موقعیت جغرافیایی استان‌ها، فاصله از مراکز تولید و ظرفیت خطوط انتقال مربوط است. استان‌هایی که در انتهای شبکه انتقال قرار دارند، در زمان افزایش تقاضا و افت فشار شبکه، آسیب‌پذیری بیشتری خواهند داشت. البته پیش‌بینی تنش گازی در این استان‌ها به معنای قطعی بودن قطع گاز مشترکان خانگی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده احتمال بروز محدودیت و ضرورت مدیریت دقیق‌تر شبکه در دوره اوج مصرف است. از سوی دیگر، آمارهای اعلام‌شده از سوی مدیرعامل شرکت ملی گاز نشان می‌دهد که مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء، همزمان با کاهش دما در پنج روز اخیر حدود ۷۰ میلیون مترمکعب، معادل ۳۰ درصد، افزایش یافته است. او همچنین هشدار داده که به ازای هر یک درجه کاهش دما در روزهای اوج مصرف، حدود ۲۵ میلیون مترمکعب به تقاضای روزانه گاز کشور اضافه می‌شود؛ رقمی که به گفته او با تولید یک فاز پارس جنوبی برابری می‌کند. این ارقام نشان می‌دهد که حتی تغییرات نسبتا محدود دمای هوا نیز می‌تواند فشار قابل توجهی بر شبکه وارد کند؛ به‌ویژه در شرایطی که بخشی از ظرفیت تولید همچنان از دسترس خارج است.

اولویت خانه‌ها؛ محدودیت صنایع؟

در ساختار توزیع گاز، تامین نیاز بخش خانگی در روزهای سرد در اولویت قرار دارد؛ اولویتی که از منظر حفظ گرمایش منازل و جلوگیری از اختلال در زندگی مردم قابل درک است، اما پیامد آن می‌تواند محدود شدن سهم صنایع از گاز طبیعی باشد. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده که در دوره‌های اوج مصرف، برخی واحدهای صنعتی برای یک تا دو ماه با محدودیت گاز روبه‌رو شده و ناچار بوده‌اند از سوخت دوم استفاده کنند یا بخشی از ظرفیت تولید خود را کاهش دهند.

این مسئله فقط به کاهش مصرف انرژی در کارخانه‌ها محدود نمی‌شود. صنایع انرژی‌بر مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی برای تداوم تولید به تامین پایدار انرژی نیاز دارند و هرگونه اختلال در دسترسی به گاز می‌تواند هزینه تمام‌شده تولید، برنامه تحویل محصولات و حتی فعالیت زنجیره‌های وابسته را تحت تاثیر قرار دهد. از این رو، توصیه مسئولان شرکت ملی گاز به صنایع برای ذخیره‌سازی و تامین سوخت جایگزین، نشانه‌ای از ضرورت آمادگی این بخش برای مواجهه با محدودیت‌های احتمالی است.

مازوت‌سوزی؛ گزینه‌ای که هنوز از روی میز برداشته نشده است

یکی از نگرانی‌های جدی در زمستان پیش رو، احتمال افزایش استفاده از سوخت‌های مایع در نیروگاه‌هاست. در شرایطی که تامین گاز نیروگاه‌ها با محدودیت روبه‌رو شود، استفاده از گازوئیل و مازوت می‌تواند به عنوان راهکاری برای جلوگیری از اختلال در تولید برق مطرح شود؛ راهکاری که البته هزینه‌های زیست محیطی قابل توجهی به همراه دارد.

اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، در توضیح سیاست دولت درباره احتمال مازوت‌سوزی در زمستان امسال تاکید کرده است که سیاست دولت جلوگیری از این اقدام است. به گفته او، تصمیم‌گیری نهایی به دو عامل اصلی، یعنی میزان صرفه‌جویی مردم و صنایع و همچنین امکان واردات انرژی بستگی دارد.

سقاب اصفهانی با اشاره به اینکه دولت برای شرایط مختلف سناریوهای جایگزین در نظر گرفته است، اعلام کرده در صورت همکاری مردم و کاهش مصرف به میزان مورد نیاز، اساسا نیازی به مازوت‌سوزی نخواهد بود. با این حال، اگر صرفه‌جویی کافی محقق نشود و واردات انرژی نیز پاسخ‌گوی نیاز کشور نباشد، استفاده از گزینه‌های جایگزین همچنان مطرح خواهد بود.

صرفه‌جویی؛ راهکار فوری یا جایگزین سرمایه‌گذاری؟

در کنار برنامه‌های مربوط به تعمیر تاسیسات و تامین سوخت جایگزین، مسئولان بر ضرورت کاهش مصرف انرژی نیز تاکید دارند. توصیه مدیرعامل شرکت ملی گاز برای تنظیم دمای وسایل گرمایشی منازل روی ۲۰ درجه سانتی‌گراد، یکی از اقداماتی است که با هدف کاهش فشار بر شبکه مطرح شده است.

با این حال، نمی‌توان حل مسئله ناترازی را صرفا به رفتار مصرف‌کنندگان گره زد. بخش مهمی از مصرف بالای گاز به راندمان پایین تجهیزات گرمایشی، فرسودگی ساختمان‌ها، ضعف عایق بندی و ناکارآمدی زیرساخت‌های انرژی مربوط است. در همین زمینه، موضوع جایگزینی بخاری‌های کم بازده با تجهیزات پربازده بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی مدیرعامل شرکت ملی گاز، تاکنون ۱۷۱ هزار بخاری پربازده در اختیار مشترکان قرار گرفته است؛ رقمی که در مقایسه با گستردگی تجهیزات گرمایشی مورد استفاده در کشور، نشان می‌دهد مسیر بهینه‌سازی هنوز به اقدامات بسیار وسیع‌تری نیاز دارد. از سوی دیگر، توسعه ظرفیت تولید، تکمیل طرح‌های ذخیره‌سازی گاز، کاهش هدررفت در شبکه انتقال و توزیع و متنوع‌سازی سبد انرژی نیز از جمله اقداماتی است که باید در کنار مدیریت مصرف دنبال شود. وابستگی بالای بخش‌های مختلف اقتصاد به گاز طبیعی سبب شده است هر اختلالی در تولید یا توزیع این حامل انرژی، به سرعت به نیروگاه‌ها، صنایع و خانوارها منتقل شود.

زمستانی که آزمون مدیریت انرژی است

واقعیت این است که ناترازی گاز را نمی‌توان صرفا پیامد یک زمستان سرد یا آسیب به چند تاسیسات دانست. کاهش ظرفیت تولید در ماه‌های اخیر، فشار تازه‌ای بر شبکه‌ای وارد کرده که از سال‌های گذشته با شکاف میان عرضه و تقاضا مواجه بوده است. به همین دلیل، حتی بازگشت کامل ظرفیت آسیب‌دیده نیز به تنهایی به معنای پایان ناترازی نخواهد بود.

زمستان پیش رو از این منظر آزمونی برای سیاست‌گذاری انرژی کشور است؛ آزمونی که نتیجه آن فقط با میزان پایداری گرمایش منازل سنجیده نمی‌شود، بلکه باید دید صنایع تا چه اندازه امکان تداوم تولید خواهند داشت، نیروگاه‌ها چگونه سوخت مورد نیاز خود را تامین می‌کنند و آیا می‌توان از تکرار آلودگی ناشی از مازوت‌سوزی جلوگیری کرد یا نه. در کوتاه‌مدت، تعمیر تاسیسات، ذخیره‌سازی سوخت دوم، مدیریت مصرف و آمادگی برای واردات انرژی می‌تواند بخشی از فشار را کاهش دهد؛ اما در بلندمدت، بدون سرمایه‌گذاری در تولید، بهینه‌سازی تجهیزات و ساختمان‌ها و اصلاح ساختار مصرف، مسئله هر سال با نخستین موج سرما دوباره خود را نشان خواهد داد. پرسش اصلی بنابراین تنها این نیست که آیا گازخانه‌ها در زمستان امسال تامین می‌شود؛ بلکه این است که کشور تا چه زمانی می‌تواند هزینه ناترازی را با محدود کردن صنایع، تغییر سوخت نیروگاه‌ها و درخواست مداوم برای صرفه‌جویی جبران کند؟

میانگین قیمت اتوبوس به ۶۰ میلیارد تومان رسید

نوسازی ناوگان دشوار شد

یک مقام صنفی گفت: فرسودگی ناوگان، ضعف ایمنی جاده‌ها و خطای انسانی از عوامل تصادفات است و با میانگین قیمت ۵۰ تا ۶۰ میلیارد تومانی اتوبوس، نوسازی ناوگان به اصلاح شرایط اقتصادی نیاز دارد.

پیمان سنندجی، رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران با تاکید بر ضرورت نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و جاده‌ای به خبرگزاری «مهر» گفت: تصادفات جاده‌ای دلایل متعددی از جمله رفتار رانندگان، سرعت غیرمجاز، کیفیت خودروها، وضعیت راه‌ها، علائم و نقاط حادثه‌خیز دارد، بخشی از تصادفات به رفتار رانندگان مربوط می‌شود، اما بخشی دیگر نیز به وضعیت ناوگان و فرسودگی خودروها بازمی‌گردد. وی افزود: تصادفاتی که در جاده‌ها رخ می‌دهد، علت واحدی ندارد و عوامل مختلفی از جمله رفتار راننده، سرعت غیرمجاز، کیفیت خودرو، وضعیت جاده‌ها، نقاط حادثه‌خیز و علائم راهنمایی و رانندگی می‌توانند در وقوع یک حادثه موثر باشند. طبیعتا برای هریک از این عوامل نیز راهکارهای مشخصی وجود دارد.

رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران با تاکید بر ضرورت پیشگیری از تصادفات پیش از وقوع حادثه، تصریح کرد: باید به این موضوع توجه کنیم که چه اقداماتی می‌توان برای جلوگیری از حوادث رانندگی انجام داد. یکی از مهم‌ترین موضوعات در این زمینه، شناسایی و اصلاح نقاط حادثه‌خیز است که باید به‌صورت جدی در دستور کار قرار گیرد. وی یادآور شد: ایمنی راه‌ها و خودروها حتما باید ارتقا پیدا کند. در حال حاضر، وضعیت جاده‌های کشور از نظر خط‌کشی و علائم راهنمایی و رانندگی مناسب نیست. برای نمونه، کافی است به وضعیت آزادراه ساوه مراجعه کنید تا شرایط موجود را مشاهده کنید.

سنندجی با اشاره به ضرورت افزایش نظارت بر تخلفات رانندگی پرخطر، گفت: باید نظارت بر تخلفات پرخطر افزایش پیدا کند و دوربین‌ها و سازوکارهای پیشگیرانه بیشتری در این زمینه به کار گرفته شوند، نمی‌توان صرفا به حضور پلیس در یک پیچ جاده برای برخورد با تخلفات اکتفا کرد، بلکه باید پیش از اون نقطه بحران تصادف و حرکت خودروها نیز اقدامات پیشگیرانه انجام شود.

بیش از ۱۹.۵ هزار نفر در تصادفات رانندگی سال ۱۴۰۴ جان باختند

وی ادامه داد: هر دستگاه و نهادی که در کاهش تصادفات و ارتقای ایمنی جاده‌ها مسئولیت دارد، باید در قبال وظایف خود پاسخگو باشد. موضوع مهم این است که مشخص شود کدام سازمان‌ها و دستگاه‌ها می‌توانند در کاهش حوادث رانندگی تاثیرگذار باشند و هریک چه مسئولیتی بر عهده دارند. وی با اشاره به آمار تلفات و مصدومان حوادث رانندگی، گفت: همان‌طور که آمار و ارقام نیز نشان می‌دهد، در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۹ هزار و ۶۰۰ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست داده‌اند و تعداد مصدومان نیز به حدود ۳۷۹ هزار نفر رسیده است؛ اگرچه این آمار در مقایسه با سال قبل کاهش پیدا کرده است، اما همچنان موضوع بسیار مهم و قابل توجهی است و نمی‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد.

سنندجی تصریح کرد: بخش بزرگی از عوامل وقوع حوادث به رفتارهای انسانی مربوط می‌شود و بخش دیگری نیز به وضعیت جاده‌ها، کیفیت خودروها، نبود علائم مناسب، روشنایی و رعایت نشدن استانداردهای لازم بازمی‌گردد. این موارد از جمله موضوعاتی هستند که باید برای کاهش تصادفات به صورت جدی مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرند.

واردات دو هزار دستگاه با چه شرطی امکان‌پذیر است؟

وی درباره وضعیت واردات اتوبوس و مشکلات پیش روی نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی جاده‌ای، اظهار کرد: خوشبختانه واردات اتوبوس از جمله مواردی است که در حال حاضر مصوبه دولت را دارد و براساس این مصوبه، امکان واردات تا دو هزار دستگاه اتوبوس به کشور وجود دارد.

رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران ادامه داد: سازمان راهداری نیز مبلغی را در قالب تسهیلات برای نوسازی اتوبوس‌ها در نظر گرفته است و با استفاده از این تسهیلات می‌توان تعداد محدودی از ناوگان را نوسازی کرد، همین اقدام نیز اتفاق مثبتی محسوب می‌شود. وی با اشاره به ضرورت اقتصادی بودن سرمایه‌گذاری در حوزه نوسازی اتوبوس‌ها، یادآور شد: با این حال، نکته مهمی

وجود دارد و آن اینکه قیمت یک دستگاه اتوبوس در حال حاضر به حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیارد تومان رسیده است. بنابراین، اگر راننده نتواند هزینه خرید و سرمایه‌گذاری انجام‌شده را از محل فعالیت خود جبران کند، با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

نوسازی ناوگان با قیمت‌گذاری دستوری ممکن نیست

سنندجی افزود: موضوع بسیار مهم این است که راننده یا شرکتی که در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کند، باید بتواند هزینه‌های خرید و تامین اتوبوس را از محل درآمد خود جبران کند. اگر همچنان با قیمت‌گذاری دستوری مواجه باشیم و درآمد حاصل از فعالیت اتوبوس متناسب با هزینه‌های سرمایه‌گذاری نباشد، امکان تداوم سرمایه‌گذاری در این بخش فراهم نخواهد شد.

وی بیان کرد: از سوی دیگر، سازمان راهداری تسهیلات مناسبی برای نوسازی اتوبوس‌ها اختصاص داده و مصوباتی نیز برای نوسازی وجود دارد که فکر می‌کنم تا ۲۰۱ دستگاه را شامل می‌شود. اگر دخل‌وخرج رانندگان و شرکت‌های حمل‌ونقل به گونه‌ای باشد که بتوانند سرمایه اولیه خود را در یک بازه زمانی مشخص بازگردانند، در شرایط فعلی فرصت مناسبی برای نوسازی ناوگان اتوبوسرانی بین شهری وجود دارد و می‌توان این طرح را با جدیت بیشتری اجرا کرد.

دستگاه‌های متولی ایمنی باید پاسخگو باشند

رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران در پایان با تاکید بر ضرورت تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌های متولی ایمنی جاده‌ها، گفت: امیدوارم شرایط به‌گونه‌ای رقم بخورد که دیگر شاهد تصادفات و حوادث رانندگی نباشیم. هدف ما باید کاهش تلفات جاده‌ای باشد و در این مسیر، مقصرسازی نباید در اولویت قرار گیرد.

سوءاستفاده کلاهبرداران سایبری از اعتبار خریدهای قسطی شهروندان

معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا با اشاره به افزایش گزارش های سوءاستفاده از خدمات خرید اعتباری مانند اسنپ پی، دیجی پی و تارا، گفت: مجرمان در دو شگرد، اعتبار خرید شهروندان را هدف قرار می‌دهند؛ نخست، فریب افراد برای دریافت کد پیامکی و دوم، ارسال لینک یا فایل آلوده که کلیک روی لینک و نصب بدافزار می تواند زمینه دسترسی غیرمجاز به تلفن همراه و سرقت کدهای تایید را فراهم کند.

به گزارش «آگاه» سرهنگ دوم جواد مختاررضایی در توضیح بیشتر افزود: بررسی پرونده‌ها و تماس‌های مردمی با مرکز فوریت‌های سایبری پلیس فتا نشان می‌دهد مجرمان با بهانه‌هایی مانند برنده‌شدن در قرعه‌کشی، دریافت جایزه، تخفیف ویژه یا فعال‌سازی اعتبار، از شهروندان می‌خواهند کد پیامکی دریافتی را اعلام کنند. این کد ممکن است برای ثبت‌نام یا ورود به حساب در سرویس‌های خرید اعتباری استفاده شود.

معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا تصریح کرد: این تهدید صرفا متوجه کاربران فعلی این خدمات نیست؛ مجرمان ممکن است برای افرادی که تاکنون از این سرویس ها استفاده نکرده‌اند نیز حساب ایجاد کنند و در صورت تکمیل الزامات احراز هویت و تخصیص اعتبار، به نام آنان خرید انجام دهند. بنابراین نصب نبودن برنامه یا نداشتن حساب قبلی، به معنای مصونیت از این کلاهبرداری نیست. وی ادامه داد: در این شگرد، مجرم کالا را خریداری می کند، اما بدهی و اقساط ممکن است به نام قربانی ثبت شود؛ به همین دلیل، حتی خالی بودن حساب بانکی نیز مانع سوءاستفاده از اعتبار خرید فرد نخواهد بود.

این مقام انتظامی درباره شگرد دوم گفت: کلاهبرداران با عناوینی مانند مشاهده ابلاغیه، دریافت اعتبار، دریافت جایزه یا پیگیری سفارش، لینک یا فایل آلوده ارسال می کنند. اگر کاربر در ادامه این فرآیند، بدافزار را نصب کند و دسترسی به پیامک‌ها فراهم شود، مجرم ممکن است بدون دریافت تلفنی کد، آن را سرقت و برای ثبت‌نام یا ورود غیرمجاز به حساب‌ها استفاده کند. معاون اجتماعی پلیس فتا تاکید کرد: شهروندان کدهای ورود و ثبت نام را در اختیار هیچ‌کس قرار ندهند، متن پیامک‌ها را کامل بخوانند و از کلیک روی لینک‌های ناشناس و نصب فایل‌های ارسالی در پیام‌رسان‌ها خودداری کنند. سوءاستفاده از نام اسنپ پی، دیجی پی، تارا و دیگر مجموعه‌ها نیز لزوما به معنای هک شدن زیرساخت این خدمات نیست.

قطع و جایگزینی ۳۵ هزار اصله درخت، در پارک سرخه حصار

مدیرکل منابع طبیعی استان تهران با اشاره به آبیاری نامناسب درختان پارک سرخه حصار از قطع و جایگزینی ۳۵ هزار درخت خشکیده در این بوستان خبر داد.

از غرب تا شرق تهران نفس درختان پارک‌های جنگلی به شماره افتاده است و برخی از آنها نیز به تیغ تبر سپرده شده‌اند. بعد از رسانه‌ای شدن وضعیت اسف‌بار درختان پارک چیتگر که تاکنون به قطع و جایگزینی ۲۵ هزار اصله درخت منجر شده است، حالا مدیرکل منابع طبیعی استان تهران از مرگ ۳۵ هزار اصله درخت در پارک سرخه حصار خبر می‌دهد که سال ۹۸ مدیریت آن به شهرداری تهران احاله شد.

رضا بیانی با اشاره به میزان تعامل شهرداری تهران و منابع طبیعی در زمینه مدیریت پارک جنگلی سرخه حصار به «ایسنا» گفت: موارد مختلف مربوط به مدیریت این بوستان در کتابچه طرح مربوط به احاله مدیریت پارک سرخه حصار پیش بینی شده است. سابقه ندارد که شهرداری از اداره کل منابع طبیعی تهران درخواست مجوز انجام عملیات بهداشتی پرورشی داشته باشد و ما مجوز نداده باشیم. وی با بیان اینکه شهرداری تهران درختان سرخه حصار را به‌درستی آبیاری نکرده است، گفت: وضعیت به‌گونه‌ای پیش رفت که ۳۵ هزار اصله درخت را تاکنون قطع کرده‌ایم و شهرداری درختانی را به جای آنها کاشته است.

مدیرکل منابع طبیعی استان تهران سنجد و اقاقیا را از جمله گونه‌هایی ذکر کرد که در پارک جنگلی سرخه حصار کاشته شده است و بن سه تا چهارساله دارند. بیانی در پایان درباره وضعیت تامین آب درختان سرخه حصار گفت: سرخه حصار هفت چاه برای تامین آب دارد. شهرداری تهران اعلام کرده که کف‌شکنی چاه‌ها را انجام داده است و آب وارد منطقه سرخه حصار می‌شود همچنین تامین آب زرد که احتمالا پساب است برای آبیاری این پارک جنگلی در دستور کار قرار گرفته است.

نصب مرحله‌ای یک‌هزار و ۴۰۰ دوربین البسه در تهران

مدیرعامل شرکت شهربان و حریم‌بان شهرداری تهران از اجرای آزمایشی ۳۰ دوربین البسه و نصب ۶۰ ست دوربین خودرویی خبر داد.

به گزارش «آگاه» محمدمهدی عزیزی، مدیرعامل شرکت شهربان و حریم‌بان شهرداری تهران با اشاره به روند آماده‌سازی تجهیزات نظارتی این مجموعه اظهار کرد: با همکاری یک شرکت اپراتور تلفن همراه و سازمان فناوری اطلاعات شهرداری تهران، بخش قابل توجهی از مشکلات مربوط به زیرساخت‌های ارتباطی، سیم‌کارت‌ها و بهره‌برداری از دوربین‌های البسه و خودرویی برای نیروهای حریم‌بان و شهربان برطرف شده است. وی افزود: در حال حاضر، ۳۰ دوربین البسه به‌صورت پایلوت روی لباس نیروها جانمایی شده‌اند و عملکرد آنها در محل پایش در حال بررسی و گزارش‌گیری است تا مشکلات احتمالی شناسایی و برطرف شود و زمینه برای توسعه استفاده از این تجهیزات فراهم شود.

عزیزی با اشاره به برنامه استفاده از یک‌هزار و ۴۰۰ دوربین البسه در شهر گفت: پس از تکمیل فرآیند پایش و گزارش‌گیری و اطمینان از عملکرد مناسب تجهیزات، دوربین‌ها به‌صورت منطقه‌به‌منطقه در اختیار نیروهای مربوطه قرار می‌گیرند و نصب و بهره‌برداری از آنها به تدریج گسترش خواهد یافت.

مدیرعامل شرکت شهربان و حریم‌بان شهرداری تهران همچنین از تکمیل نصب دوربین‌های خودرویی خبر داد و تصریح کرد: هر ۶۰ ست دوربین خودرویی پیش‌بینی‌شده نصب شده‌اند و این بخش از تجهیزات نیز در راستای تقویت زیرساخت‌های نظارتی مجموعه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۷۸

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

یک‌شنبه

۱۰ آبان مـاه ۱۴۰۵

۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۸ | ۱ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبـــح	۰۵:۰۰
اذان ظهـــر	۱۱:۴۸
اذان مغـــرب	۱۷:۲۹
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

کاغذی

کاغذ ارزان، کتاب ارزان؟
اگر قیمت کاغذ کاهش پیدا کند قیمت کتاب هم پایین می‌آید؟

برای پاسخ، بیایید قیمت دلاری کاغذ و کتاب را بررسی کنیم تا اثر تورم حذف شود. دو سال پیش هر بند کاغذ تحریر ۲۱ دلار بود و متوسط قیمت کتاب ۳٫۳ دلار. امروز کاغذ به ۳۴ دلار رسیده، اما کتاب به ۱٫۹ دلار کاهش یافته است! یعنی قیمت دلاری کاغذ ۶۳ درصد بالا رفته، در حالی که قیمت دلاری کتاب ۴۲ درصد پایین آمده است. چرا مسیرشان جدا شده؟

محدودیت واردات و کمبود عرضه، قیمت کاغذ را بالا برده است. اگر کاغذ متناسب با تورم گران شده بود، امروز هر بند آن ۵٫۵ میلیون تومان بود، نه ۹ میلیون تومان. انگار کاغذ هشت ماه از گرانی آینده‌اش را پیش خور کرده است!

ازسوی دیگر، کاهش قدرت خرید مردم و تلاش ناشران و کتاب‌فروشان برای حفظ مشتری، جلوی افزایش متناسب قیمت کتاب را گرفته است. اگر قیمت کتاب همپای تورم بالا رفته بود، متوسط قیمت آن امروز ۸۸۰ هزار تومان بود، نه ۵۰۰ هزار تومان.

در این مدت تحول خاصی در فناوری تولید، حمایت دولتی یا نظام توزیع هم رخ نداده که تعادل جدیدی برقرار کند. بنابراین فشار برای جبران عقب‌ماندگی قیمت کتاب همچنان وجود دارد؛ البته تا جایی که قدرت خرید مردم و کشش تقاضا اجازه بدهد. حتی اگر کاغذ ارزان شود، فقط بخشی از زیاده‌روی خود را تعدیل می‌کند و قیمت پشت جلد کتاب همچنان افزایش می‌یابد؛ فقط با سرعتی کمتر.

چرا زنان بیشتر از مردان دچار میگرن می‌شوند؟

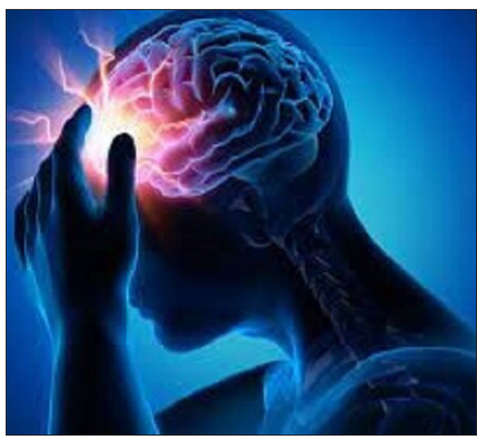

یک متخصص مغز و اعصاب و فلوشیپ صرع، نقش وراثت در بروز میگرن را بسیار تعیین‌کننده دانست.

بهنام صفرپور، به بررسی ریشه‌های ژنتیکی، تفاوت‌های جنسیتی و پیشرفت‌های اخیر در درمان میگرن پرداخت و از نقش گیرنده‌های درد در این بیماری گفت. وی افزود: میگرن فراتر از یک سردرد ساده، یک اختلال عصبی پیچیده است که ریشه‌های عمیقی در ساختار ژنتیکی بدن دارد. نقش وراثت در بروز میگرن بسیار تعیین‌کننده است.

صفرپور در تحلیل علمی میگرن تاکید کرد: حدود ۹۰ درصد از مبتلایان، سابقه خانوادگی مشخصی از این بیماری را گزارش می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که میگرن تا حد زیادی یک ویژگی ژنتیکی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. وی افزود: یکی از نکات قابل توجه در این بیماری، تفاوت‌های جنسیتی است. یافته‌های علمی نشان می‌دهد که زنان با احتمالی سه برابر بیشتر نسبت به مردان، در معرض ابتلا به حملات میگرنی قرار دارند که این موضوع می‌تواند با تغییرات هورمونی و سایر عوامل بیولوژیک مرتبط باشد.

صفرپور به نقش حیاتی «ژن کلسیتونین» اشاره کرد و گفت: فعال شدن این ژن منجر به تحریک گیرنده‌های درد در سیستم عصبی می‌شود که عامل اصلی احساس درد در حملات میگرنی است. علاوه بر این، اختلال در گردش خون و پرخونی در عروق سطحی و عمقی مغز نیز از عوامل مهم در تشدید این وضعیت محسوب می‌شود. وی با تاکید بر پیچیدگی این بیماری یادآور شد: با تمام پیچیدگی‌های این بیماری در حوزه درمان تحولات بزرگی صورت گرفته است. داروهای نسل جدید، برخلاف داروهای قدیمی، با رویکردی بسیار دقیق و هدفمند برروی مکانیسم‌های اصلی میگرن تمرکز می‌کنند.

به گفته این متخصص مغز و اعصاب و فلوشیپ صرع، درمان‌های مدرن با هدف قراردادن دقیق مسیرهای عصبی و گیرنده‌های درد، کارایی بسیار بالاتری در کاهش شدت و تکرار حملات از خود نشان داده‌اند و کیفیت زندگی بیماران را به طور محسوسی بهبود می‌بخشند.

آب و هوا

هشدار بارندگی و سیلاب در ۱۷ استان

سازمان هواشناسی نسبت به بارش باران و رعدوبرق در ۱۷ استان طی امروز یک‌شنبه هشدار صادر کرد.

بر اساس هشدار سازمان هواشناسی امروز یک‌شنبه استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، مرکزی، همدان، قم، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، غرب اصفهان و گیلان تحت تاثیر این سامانه بارشی قرار می‌گیرند. از پیامدهای احتمالی این سامانه می‌توان به بالا آمدن آب رودخانه‌ها، آب‌گرفتگی معابر، جاری شدن روان‌آب، وقوع صاعقه، وزش باد شدید موقت، شکستن درختان کهنسال و فرسوده، خسارت به سازه‌های موقت و محصولات کشاورزی و سقوط سنگ در مناطق کوهستانی اشاره کرد. همچنین لغزندگی جاده‌ها دور از انتظار نیست.

سوگواره نمایشی «آن سوی سکوت»

همزمان با ایام فاطمیه، سوگواره نمایشی «آن سوی سکوت» با موضوع مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (س) از ۶ آبان در بوستان ولایت تهران روی صحنه رفته است. این سوگواره هر شب از ساعت ۱۸:۳۰ در بوستان ولایت تهران اجرا می‌شود و ظرفیت میزبانی از دو هزار نفر فراهم است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه و رزرو بلیت به سامانه نماتیکت مراجعه کنند.

عکس: خبرگزاری صداوسیما / زهرا پازکی

سگ رباتیکی که با مغز انسان کار می‌کند

دانشمندان یک سگ رباتیک ساخته‌اند که با سلول‌های مغز انسان کار می‌کند.

استفاده از نورون‌های زنده به عنوان پایه تراشه‌های کامپیوتری، نوید بخش مزایای قابل توجهی نسبت به سیستم‌های مرسوم از نظر بهره‌وری انرژی و سازگاری است. هرچقدر هم که هوش مصنوعی پیچیده باشد، مغز انسان برای اجرا به انرژی بسیار کمتری نیاز دارد و همچنان در برخورد با مسائل ناآشنا بسیار بهتر عمل می‌کند. جدیدترین نمایش این فناوری بیولوژیکی توسط دانشمندان «Cortical Labs» در استرالیا ارائه شده است که یک سگ رباتیک را با نورون‌های رشد یافته در آزمایشگاه مجهز کرده‌اند که قادرند آن را روی یک نقشه ساده به سمت هدف هدایت کنند.

تیم Cortical Labs با رشد نورون‌ها درست روی تراشه و قراردادن آن با الکترودهایی که سیگنالینگ الکتریکی دو طرفه را فراهم می‌کنند، توانست فعالیت در گروه کوچکی از نورون‌ها را به حرکت برای ربات متصل تبدیل کند.

برت کاگان، یکی از بنیان‌گذاران و مدیرعامل Cortical Labs می‌گوید: سگ رباتیک نمایشی ساده از چگونگی کاربرد پیشرفت در سیستم‌های بیولوژیکی در دنیای واقعی است، اما به ملموس شدن این فرصت کمک می‌کند. وی افزود: این رویکرد در درازمدت می‌تواند از ربات‌ها و سیستم‌های خودکاری که نیاز به تصمیم‌گیری در محیط‌های غیرقابل پیش‌بینی و دنیای واقعی دارند، پشتیبانی کند.

ما هنوز در مراحل اولیه این فناوری هستیم. این فناوری هنوز به طور خاص سریع یا کارآمد نیست، اما در آینده می‌توانیم شاهد ربات‌های کنترل‌شده توسط نورون‌ها باشیم که در شرایط دورافتاده یا خطرناک کار می‌کنند یا به انسان‌ها در پاسخ‌های شخصی‌سازی شده که به مرور زمان یاد می‌گیرند، کمک می‌کنند. این پژوهش در حوزه مسیریابی هنوز تحت داوری همتا قرار نگرفته، اما در کنفرانس NeurIPS ۲۰۲۶ ارائه شده و در وب‌سایت arXiv در دسترس است.

سبک زندگی

راز خوشمزگی آبگوشت‌های سنتی، اصیل و محبوب قدیم چیست؟

آبگوشت از غذاهای اصیل ایرانی است که طعم و لعاب خاص آن به انتخاب گوشت مناسب بستگی دارد.

آبگوشت از غذاهای اصیل، سنتی و محبوب ایرانی است که طعم و بوی خاص آن، بسیاری از افراد را به یاد سفره‌های خانوادگی می‌اندازد. آبگوشت غذایی است که در آن گوشت باید در مدت نسبتا طولانی و روی حرارت ملایم بپزد تا هم نرم شود و هم عصاره و چربی خود را به آب غذا منتقل کند. اگر گوشت انتخابی مناسب نباشد، ممکن است پس از پخت همچنان سفت بماند یا برعکس، بیش از حد له شود و بافت خود را از دست بدهد. بنابراین، انتخاب گوشت برای آبگوشت باید با توجه به بافت، میزان چربی، سن دام و برش گوشت انجام شود.

بهترین گوشت برای آبگوشت

در پاسخ به این پرسش که چه گوشتی برای تهیه آبگوشت مناسب است، باید گفت انتخاب اول در آشپزی سنتی ایران، معمولا گوشت گوسفند است. با این حال، گوشت گاو نیز در برخی مناطق و بسته به ذائقه، استفاده می‌شود. هرکدام از این دو، ویژگی‌های خاص خود را دارند و نمی‌توان به طور مطلق یکی را بر دیگری ترجیح داد. مهم این است که شرایط پخت و انتظار نهایی از غذا را در نظر بگیرید. گوشت گوسفند به دلیل بافت نرم‌تر، چربی طبیعی و طعم غنی، گزینه‌ای بسیار مناسب برای آبگوشت است. این گوشت در فرآیند پخت طولانی، به خوبی نرم می‌شود و عصاره‌ای خوش‌طعم به آب غذا می‌دهد. در میان برش‌های گوسفند، قسمت‌هایی مانند گردن، ماهیچه، سردست و دنده برای آبگوشت مناسب‌تر هستند. این بخش‌ها هم بافت مناسبی دارند و هم در صورت همراه بودن با استخوان، لعاب بیشتری ایجاد می‌کنند.

البته گوشت گوسفند باید متعادل باشد. گوشت گوسفند بسیار جوان ممکن است زودتر از حد لازم بپزد و بافت خود را از دست بدهد. گوشت گوسفند مسن نیز ممکن است دیرپز و سفت باشد. بنابراین، انتخاب گوشت گوسفند با سن مناسب و چربی طبیعی، یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها برای تهیه آبگوشت لعاب‌دار است. استفاده از گوشت گوسفند با استخوان نیز توصیه می‌شود، زیرا استخوان در طول پخت، کلاژن و مواد مغذی خود را به غذا منتقل می‌کند.

گوشت گاو؛ گزینه‌ای اقتصادی با شرایط خاص

گوشت گاو نیز برای آبگوشت قابل استفاده است، اما باید با دقت انتخاب شود. گوشت گاو معمولا دیرپزتر از گوشت گوسفند است و اگر بخش نامناسبی از آن انتخاب شود، ممکن است پس از مدت طولانی پخت نیز سفت بماند. برای آبگوشت با گوشت گاو، بهتر است از بخش‌های ماهیچه‌ای، سردست یا گردن استفاده شود. گوشت گاو چرخ شده یا برش‌های بسیار کم چرب برای این غذا مناسب نیستند، زیرا آبگوشت را بی‌لعاب می‌کنند.

در بسیاری از خانواده‌ها، آبگوشت با گوشت گاو کمتر تهیه می‌شود؛ این موضوع بیشتر به ذائقه و سنت آشپزی مربوط است تا عدم امکان استفاده. اگر گوشت گاو انتخاب می‌کنید، افزودن مقداری دنبه یا استفاده از گوشت با چربی اندک می‌تواند طعم و لعاب آبگوشت را بهبود دهد. در مجموع، گوشت گوسفند برای آبگوشت انتخاب رایج‌تر و آسان‌تری است، اما گوشت گاو نیز در صورت انتخاب برش مناسب، می‌تواند نتیجه قابل قبولی بدهد.

گوشت با استخوان؛ کلید لعاب‌دار شدن آبگوشت

یکی از مهم‌ترین توصیه‌ها در تهیه آبگوشت، استفاده از گوشت با استخوان است. استخوان به طعم غذا عمق می‌بخشد و در طول پخت، مواد ژلاتینی خود را آزاد می‌کند و به لعاب‌دار شدن آبگوشت کمک می‌کند. به همین دلیل، گوشت‌هایی مانند گردن، دنده و ماهیچه همراه با استخوان، انتخاب‌های مناسبی هستند.

البته منظور این نیست که تمام گوشت باید استخوان داشته باشد. می‌توانید ترکیبی از گوشت بی‌استخوان و گوشت با استخوان استفاده کنید. برای مثال، مقداری ماهیچه یا گردن با استخوان همراه با گوشت سردست، ترکیب متعادلی ایجاد می‌کند. این ترکیب هم بافت مناسبی دارد و هم آبگوشت را چرب‌تر و لعاب‌دارتر می‌کند. درواقع، گوشت با استخوان یکی از عوامل پنهان اما مهم در خوش‌طعم شدن آبگوشت است.

چربی و دنبه؛ در حد اعتدال

آبگوشت بدون چربی کافی، اغلب خشک و بی‌لعاب می‌شود. به همین دلیل، مقداری چربی طبیعی در گوشت یا افزودن دنبه می‌تواند کیفیت غذا را بالا ببرد. دنبه در آشپزی ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد و در آبگوشت نیز باعث خوش‌طعم‌تر شدن و لعاب‌دارتر شدن آن می‌شود. با این حال، استفاده از دنبه باید متعادل باشد؛ چربی بیش از حد، غذا را سنگین و دیرهضم می‌کند.

اگر دنبه در دسترس ندارید، می‌توانید از گوشت با چربی طبیعی استفاده کنید. گوشت گوسفند معمولا چربی طبیعی دارد و همین مقدار می‌تواند نیاز آبگوشت را برطرف کند. نکته مهم این است که چربی نباید بر طعم اصلی غذا غلبه کند. هدف، ایجاد تعادل میان طعم، لعاب و سبکی نسبی غذاست. بنابراین، در استفاده از دنبه و گوشت چرب، اعتدال را رعایت کنید.

#تجربه_کردم

اولین باری که حالت‌ها، اشخاص، پیشامدها و موقعیت‌های «خالص آسمانی» سرراه آدم پیدا می‌شن، باید سفت بگیریم‌شون... والا ـ مثل ستاره دنباله‌دار ـ ممکنه از دیدار دوباره و هم‌نفسی‌شون، تا پایان عمر محروم بمونیم.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

پنج عامل کبد چرب
چطور کبد سالم داشته باشیم؟

یک سری عادت‌ها مانند خوردن وعده غذایی در ساعات پایانی شب یا ساعت‌ها نشستن پشت میز کار، ممکن است به‌ظاهر بی‌خطر به نظر برسند؛ اما وقتی این عادت‌ها به بخشی از زندگی تبدیل شوند، می‌توانند بر توانایی بدن در مدیریت قند، ذخیره چربی و واکنش به انسولین تاثیر بگذارند.

امروزه موارد ابتلا به بیماری کبد چرب حتی در میان افرادی که الکل مصرف نمی‌کنند، به‌طور فزاینده‌ای مشاهده می‌شود. در این مطلب به عادت‌های روزمره‌ای اشاره می‌کنیم که اجتناب از آنها می‌تواند به پیشگیری از بیماری کبد چرب کمک کند.

دیر شام خوردن

شام دیرهنگام خود به خود مضر نیست، اما خوردن منظم وعده‌های غذایی حجیم نزدیک به زمان خواب می‌تواند با پرخوری، میان وعده‌های مکرر و زمان‌بندی نامنظم وعده‌های غذایی همراه باشد. مسئله بزرگ‌تر اغلب چیزی است که در بشقاب قرار می‌گیرد. وعده‌های غذایی سنگین، دسرهای شیرین و کربوهیدرات‌های تصفیه شده می‌توانند به دریافت انرژی اضافی و تجمع چربی در کبد کمک کنند. خوردن یک شام متعادل و اختصاص دادن زمانی قبل از خواب می‌تواند به ایجاد یک روال سالم‌تر کمک کند.

آب میوه واقعا سالم است؟

مشهور است که میوه خوراکی سالمی است، بنابراین آب میوه‌های بسته‌بندی‌شده می‌توانند راهی آسان برای دریافت مواد مغذی ضروری به نظر برسند. با این حال، آب میوه اغلب حاوی فیبر بسیار کمتری نسبت به میوه کامل است و برخی از این محصولات حاوی شکر افزوده هستند. نوشیدن مکرر نوشیدنی‌های شیرین می‌تواند کالری دریافتی را افزایش دهد، قند اضافی، به ویژه هنگامی که مصرف کلی انرژی بالا باشد، می‌تواند به تجمع چربی در کبد کمک کند. میوه کامل به طور کلی انتخاب بهتری برای مصرف روزانه است. آب نیز جایگزین معقولی برای نوشیدنی‌های شیرین است.

ورزش کوتاه و نشستن در روز

پیاده‌روی صبحگاهی یا ورزش در باشگاه ارزشمند است، اما اثرات نشستن در بیشتر طول روز را از بین نمی‌برد. دوره‌های طولانی عدم فعالیت می‌تواند بر حساسیت به انسولین و نحوه مدیریت گلوکز و چربی توسط بدن تاثیر بگذارد. این موضوع مهم است زیرا مقاومت به انسولین می‌تواند کبد را به ذخیره چربی بیشتر تشویق کند. کاهش زمان نشستن با پیاده‌روی‌های کوتاه، استراحت‌های کوتاه در حالت ایستاده یا حرکت بین کارها می‌تواند کمک کند. هدف، کنار گذاشتن تمرین نیست. هدف این است که صرفا ورزش را به عنوان فعال‌ترین بخش روز نبینیم و تلاش کنیم در سایر ساعات روز نیز تا حدی فعالیت فیزیکی داشته باشیم.

پنج ساعت خواب

کم‌خوابی مداوم می‌تواند موجب اختلال در اشتها، تنظیم قند خون (گلوکز) و سایر فرآیندهای متابولیک شود؛ وضعیتی که می‌تواند با بیماری کبد چرب همراه باشد. البته این بدان معنا نیست که یک شب بدخوابی باعث آسیب به کبد می‌شود؛ بلکه نگرانی اصلی مربوط به تکرار الگوی استراحت ناکافی است. برای اکثر بزرگسالان، داشتن هفت تا ۹ ساعت خواب در هر شب، نقطه شروع مناسبی محسوب می‌شود.

وزن کم به معنای کبد سالم نیست

ظاهر لاغر یک فرد تضمین‌کننده این نیست که کبد فرد عاری از چربی اضافی است. برخی افراد، ممکن است با وجود داشتن شاخص توده بدنی (BMI) طبیعی، مقادیر بیشتری چربی در اطراف اندام‌های داخلی خود داشته باشند. این نوع چربی (چربی احشایی) از نظر متابولیکی فعال است و با مقاومت به انسولین و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های متابولیک ارتباط دارد. از این رو، اندازه‌گیری دور کمر، قند خون، چربی‌های خون و سایر شاخص‌های سلامتی می‌تواند اطلاعاتی مفیدتر و فراتر از صرفا وزن بدن در اختیار قرار دهد.

نکته امیدوارکننده این است که بیماری کبد چرب در مراحل اولیه، اغلب با ایجاد تغییرات پایدار در سبک زندگی قابل بهبود است. فعالیت بدنی منظم، داشتن وعده‌های غذایی متعادل، کاهش مصرف نوشیدنی‌های حاوی قند، خواب کافی و توجه به سلامت متابولیک (سوخت‌وساز بدن)، همگی اهمیت دارند. افراد مبتلا به دیابت، کلسترول بالا، چاقی شکمی یا سایر عوامل خطر متابولیک، باید در مورد ارزیابی وضعیت کبد با یک متخصص یا کارشناس حوزه سلامت مشورت کنند. داشتن وزن طبیعی و عدم مصرف الکل، به معنای نبود بیماری نیست؛ ضمن اینکه همه افراد به انجام آزمایش‌های غربالگری یکسانی نیاز ندارند.

تاکسی‌های رباتیک تویوتا به‌زودی در ژاپن

شرکت‌های ویمو و تویوتا به زودی آزمایش تاکسی‌های رباتیک خود را در ژاپن آغاز خواهند کرد. این شرکت‌ها قصد دارند خودروهای خودران مدل bZ4X خود را در سایر بازارهایی که فرمان خودرو در سمت راست قرار دارد، از جمله بریتانیا به کار بگیرند.

در آوریل ۲۰۲۵، تویوتا و ویمو به توافقی اولیه برای همکاری در زمینه تاکسی‌های رباتیک دست یافتند. اکنون این دو شرکت اعلام کرده‌اند که در سال ۲۰۲۷، آزمایش ناوگانی از خودروهای الکتریکی خودران تویوتا bZ4X را در ژاپن آغاز خواهند کرد. پس از ژاپن، آنها برنامه دارند که در سال‌های بعد، این خودروها را به بریتانیا و دیگر بازارهایی که دارای سیستم رانندگی با فرمان سمت راست هستند، وارد کنند.

مدل bZ4X نخستین خودروی الکتریکی مدرن تویوتا برای بازار تولید انبوه است که بر پایه پلتفرم e-TNGA (توسعه‌یافته با همکاری سوبارو) ساخته شده است. تویوتا خودروهای bZ4X مورد استفاده در این همکاری و آزمایش‌ها را در کارخانه «تاکائوکا» واقع در شهر تویوتا در استان آیچی تولید خواهد کرد. این خودروساز در همین مکان، عملیات مونتاژ خودروها و تجهیز آنها به سخت‌افزارهای خودران ویمو را نیز انجام می‌دهد.

این شرکت‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند: این همکاری با تلفیق تخصص جهانی تویوتا در تولید و توسعه خودرو با فناوری کاملا خودران ویمو موجب تسریع در گسترش جهانی خودروهای خودران سطح ۴ (Level 4) خواهد شد؛ خودروهایی که ایمنی آنها به تایید رسیده است.